



# فرائر از انتخابات

قدرت در

حکومت های دموکراسی  
چگونه انتقال می یابد



وزارت امور خارجه ایالات متحده/ژانویه ۲۰۱۰/

جلد ۱۵/شماره ۱

<http://www.america.gov/publications/ejournalusa.html>

### اداره برنامه های اطلاعات بین المللی

هماننگ کننده:

دانیل اسرینی

سر دبیر اجرایی:

جاناتان مارگولیس

مدیر هنری:

مایکل جی فریدمن

سر دبیر ارشد:

ریچارد دبلیو هاکیبی

ویراستار اجرایی:

لیا ترهون

تولیدکننده تارنما:

جاتین پری

طراح:

کلونی دی ایلیس

ویراستار رونوشت:

جین هولدن

ویراستار عکس:

مگی جانسون اسلیکر

طراح جلد:

مین یانو

کارشناس مرجع:

آنیتا گرین

اداره برنامه های اطلاعات بین المللی وزارت امور خارجه ایالت متحده هرماه يك مجله الكترونيكي تحت عنوان مجله الكترونيكي ایالت متحده-امريكا (eJournal USA) منتشر می کند. این مجالت مسأیل مهم پیش روی ایالت متحده و جامعه بین المللی، و همچنين جامعه، ارزشها، افکار و موسسات ایالت متحده را مورد بررسی قرار می دهند.

هر ماه يك مجله جديد به زبان انگلیسی منتشر می شود و سپس نسخه های-ان به زبان های فرانسه، پرتغالی، روسی و اسپانیایی انتشار می یابند. بخش های منتخبی از آنها به زبان های عربی، چینی و فارسی منتشر می شوند. هر مجله بر اساس شماره و جلد-ان مشخص می شود.

دیدگاه ها و یا سیاست های دولت ایالت متحده نمی باشد. وزارت امور خارجه درقبال محتویات و امکان دسترسی دایمی به تارنماهای اینترنتی که بازدیدکنندگان را به این مجله ها ارجاع می دهند، هیچ مسؤیلتی ندارد؛ اینگونه مسؤیلت ها صرفاً مربوط به ناشرین-ان تارنماها می باشد. امکان چاپ مجدد و ترجمه مقالات، عکس ها و تصاویر این مجله ها در خارج از ایالت متحده وجود دارد، مگر اینکه به طور صریح به محدودیت های حق چاپ انحصاری اشاره شده باشد، که در چنین مواردی باید از دارنده حق چاپ انحصاری ذکر شده در مجالت کسب اجازه گردد.

اداره برنامه های اطلاعات بین المللی وزارت امور خارجه نسخه های کنونی و قبلی این مجالت را در قالب های مختلف الكترونيكي در-درس اینترنتی: <http://www.america.gov/publications/ejournalusa.html> در دسترس قرار داده شده است. نظرات و پیشنهادات خود را می توانید به سفارت-امريكا در منطقه خودتان و یا به هر يك از دفاتر ویراستاری ارسال نمایید:

Editor, eJournal USA  
IIP/PUBJ  
U.S. Department of State  
2200 C Street, NW  
Washington, DC 20522-0501  
USA

E-mail: [eJournalUSA@state.gov](mailto:eJournalUSA@state.gov)

جلد از: AP Images/Jupiter Images

## درباره این شماره

وی به عنوان یک سیاستمدار زیرک، شاهد پذیرشی بزرگ منشانه باشند، این مسئله موضوع این شماره نشریه الکترونیکی آمریکا است.

ما در این ماه بررسی می کنیم که چگونه حکومت های دموکراسی قدرت را طبق اراده مردم، که از طریق برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه تجلی پیدا می کند، منتقل می کنند. طی دو دهه ای که از پایان جنگ سرد می گذرد، بسیاری از کشورها انتخاباتی را برگزار کرده اند اما همه آنها نیز دموکراسی های حقیقی نیستند. گاهی در نتایج انتخابات دستکاری می شود، مقام های مسئول از امتیازات ناعادلانه برخوردار می شوند یا آنان - با حمایت نیروهای نظامی - نتایج را تغییر می دهند. اما در دموکراسی های سالم، همان گونه که نیکسون و منتقدان وی دریافتند، شهروندان انتظار دارند که انتخابات عادلانه باشد و بر احترام به نتایج تأکید می کنند، که با انتقال صلح آمیز قدرت از یک رهبر به رهبر بعدی آغاز می شود.

نویسندگان ما انتقال صلح آمیز قدرت را برخاسته از جامعه

مدنی پرشور و سرزنده می دانند. آنان چنین استدلال می کنند که این گونه نظام های اجتماعی و مدنی داوطلبانه، شهروندان را آگاه کرده و مشارکت می دهند و توقعی مشترک را تلقین می کنند که بر اساس آن دموکراسی مشروع و عمل غیر دمکراتیک نامشروع است. مقاله های گرد آوری شده در این جا انتقال قدرت را در آمریکا و دیگر کشورها بررسی می کنند. ما نیز پیشرفت به دست آمده در قرن بیست و یکم را بررسی می کنیم: چگونه فن آوری های نوین در رسانه های اجتماعی می توانند جامعه مدنی را تقویت کرده و از این رو از دموکراسی حمایت کنند.

برخی نویسندگان متذکر می شوند که دموکراسی ها با ثبات هستند زیرا بازندگان انتخابات می دانند که هیچ پیروزی همیشگی نیست، چرا که برندگان نمی توانند قوانین رقابت های آینده را تغییر دهند، و بازندگان می توانند زمانی دیگر رقابت کنند و پیروز شوند. از جمله رقابت کنندگان ریچارد ام. نیکسون بود که در ۱۹۶۸ به عنوان سی و هفتمین رئیس جمهوری آمریکا انتخاب شد.



رئیس جمهوری منتخب جان اف. کندی (چپ) و ریچارد ام. نیکسون، معاون رئیس جمهوری پس از یک جلسه مطبوعاتی مشترک در ۱۴ نوامبر سال ۱۹۶۰. شش روز پس از پیروزی با اندک آراء بیشتر در برابر نیکسون، با او دست می دهد.

انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۶۰ از جمله مبارزات بسیار تنگاتنگ در تاریخ آمریکا بود. نتایج آن قدر نزدیک بود که حامیان ریچارد ام. نیکسون، معاون رئیس جمهوری، مصرانه از او خواستند نتایج را به چالش کشد. نیکسون این درخواست را نپذیرفت. وی چنین استدلال کرد، "حتی اگر سرانجام ما پیروز شویم، هزینه آن از نظر نگرش جهانیان و تأثیر آن بر دموکراسی، از نظر انعکاس اخبار آن، نامطلوب خواهد بود." اما نیکسون وظیفه خود را به عنوان معاون رئیس جمهوری ایفا کرد و انتخاب جان اف. کندی را رسماً به سنا اعلام کرد. وی این گونه آغاز کرد، "برای نخستین بار طی صد سال گذشته در کشور ما یک نامزد ریاست جمهوری نتیجه انتخاباتی که در آن مغلوب شده را اعلام و پیروزی رقیب را اعلام می کند. گمان نمی کنم نمونه ای روشن تر از این از ثبات نظام قانون گذاری و سنت افتخار آمیز مردم آمریکا در مورد گسترش نهادهای استقلال و توجه و احترام نسبت به آنها داشته باشیم. در مبارزات انتخاباتی ما صرف نظر از این که نامزدها چقدر سر سخت و جدی باشند و این که چقدر تنگاتنگ به نظر برسند، کسانی که مغلوب می شوند نتیجه را می پذیرند و از کسانی که پیروز شده اند حمایت می کنند."

منتقدان نیکسون در کلام وی گام های نخستین برای مبارزه انتخاباتی در آینده را مشاهده کردند. و این که چرا آنان باید در



وزارت امور خارجه ایالات متحده/ژانویه ۲۰۱۰/جلد ۱۵/شماره ۱

<http://www.america.gov/publications/ejournalusa.html>

## فراتر از انتخابات: قدرت در حکومت های دموکراسی چگونه انتقال می یابد

- ۴ **فراهم ساختن زمینه**  
فراهم ساختن زمینه
- ۴ **فراتر از انتخابات**  
”اریک جورلاند“ از بنیان گذاران و مدیر موسسه دموکراسی بین المللی است. انتخابات به منزله نقطه عطف دولت پایداری است که از حقوق اقلیت ها دفاع کرده، آزادی بیان را تضمین می کند، به حاکمیت قانون احترام می گذارد و در راه ایجاد جامعه مدنی قوی تلاش می کند.
- ۸ **ترکیبات نظام مردمسالار قابل انعطاف**  
والری بونس، استاد رشته حکومت داری و آرون باینکوروب معاون دانشکده مطالعات بین المللی دانشگاه کورنل است. انتخابات در نظام سالم مردمسالار، دولت ها را در قبال فراهم آوردن امکان انتقال قدرت مسالمت آمیز به نهادهایی مسئول و پاسخگو تبدیل می کند.
- ۱۰ **تأثیر ماندگار رسانه های دیجیتالی بر جامعه مدنی**  
فیلیپ ان هاورد دانشیار گروه آموزشی ارتباطات و استاد دانشکده مطالعات بین الملل جکسون دانشگاه واشنگتن، واقع در سیاتل است. رسانه ها و شبکه های اجتماعی دیجیتالی، ابزار ارتباط و آماده سازی را در اختیار شهروندان و نهادهای جامعه مدنی قرار می دهند. این ابزار، میدانی برای مطرح ساختن آرا و ابراز مخالفت ایجاد می کنند که گرایش به سوی دموکراسی سیاسی را تقویت می کند.
- ۱۳ **شیوه بیان پذیرش شکست در دموکراسی**  
پل کورکوران، دانشیار دانشگاه آدلاید در استرالیا است. سخنرانی هایی که پس از پایان رقابت های سخت انتخاباتی ایراد می شوند، به ثبات حکومت از طریق پذیرش نتیجه انتخابات توسط شهروندان کمک می کند.
- ۱۶ **جامعه مدنی، دموکراسی، و انتخابات**  
بروس گیلی، استادیار علوم سیاسی در دانشگاه ایالتی پورتلند واقع در پورتلند، اورگان است. جوامع مدنی قدرتمند مقام های منتخب را برای حکومتداری خوب مسئول می دانند و این امر شرایط سیاسی را که در آن دموکراسی بتواند رشد و نمو کند بهبود می بخشد.
- ۱۹ **انتقال قدرت ریاست جمهوری در سال ۲۰۰۸-۲۰۰۹: همکاری موفقیت آمیز**  
مارتا جوینت کومار، استاد علوم سیاسی دانشگاه تاسون واقع در تاسون، مریلند، و مدیر طرح انتقال ریاست جمهوری در کاخ سفید است. آسانترین انتقال قدرت از دولتی به دولت دیگر نیاز به ماه وقت از قبل پیش بینی شده و نیز همکاری روسای جمهوری قبلی و جدید دارد.

۲۲ **گالری عکس: به اجرا گذاردن خواست مردم**

۲۷ **از هربرت هوور تا فرانکلین دی. روزولت: انتقال قدرت در دوران بحران**

دانلد ای. ریچی تاریخ نگار سنای ایالات متحده انتقال ریاست جمهوری از هربرت هوور به فرانکلین دی. روزولت در دوران رکود اقتصادی، و سیاسی بزرگ اتفاق افتاد، با وجود این، چنین تغییری به شکلی آرام صورت پذیرفت.

۲۹ **چگونه انتخاباتی نیمه آزاد لهستان را دگرگون ساخت**

انا هوسارسکا مترجم، خبرنگار، و مددکار اجتماعی است. این گزارشی مستقیم از چگونگی چرخش انتخابات سال ۱۹۸۹ لهستان و این که چگونه جنبش همبستگی و گروه های مدنی به استقرار دموکراسی در لهستان کمک کردند.

۳۱ **حکومت استبدادی در اتحادیه اروپا: رومانی و مولداوی**

گرگور پاپ – الجز استادیار علوم سیاسی و امور اجتماعی و بین الملل دانشگاه پرینستون

دو کشور از بلوک سابق کمونیسم، خط سیرهای مختلفی را برای دست یافتن به دموکراسی دنبال کرده اند. جامعه مدنی نقش خود را در هم در رومانی که اکنون جزء اتحادیه اروپا است و هم در مولداوی که در صدد پیوستن به آن است ایفا کرد.

۳۴ **تأخیر در ”پاییز صرب“: درسی برای بنیاد دموکراسی غیر مدنی**

زوران سیریاکوویچ خبرنگار و استاد دانشگاه گاهی بنیادهای جامعه مدنی دارای تاثیرگذاری کمتری

۳۶ نسبت به واسطه های سیاسی مقطعی در دست یافتن به نتایج دموکراتیک هستند.

**منابع دیگر**

# فرا تر از انتخابات

نوشته اریک جورلاند



© AP Images/Themba Hadebe

خارج از ساختمان پارلمان پان-آفریکن در آفریقای جنوبی، یکی از طرفداران گروه مخالف زیمباوه ای به نام جنبش برای تغییرات دموکراتیک، از پارلمان خواستار اعمال فشار بر پرزیدنت رابرت موگابه برای ایجاد اصلاحات دموکراتیک در زیمباوه، کشور همسایه، است.

بروز دیدگاه های متمایز از دیگر الزامات يك نظام مردمسالار واقعی است. به منظور دستیابی به چنین نظام مردمسالار معتبر و قابل اعتمادی، جوامع باید فرهنگ مردمسالاری را در میان خود بسط و گسترش دهند و با قبول حاکمیت قانون قبل و پس از انتخابات، کسانی که احتمالاً سودای تضعیف فرایندهای انتخاباتی را در سر می‌پرورانند، ناکام گذارند. این همان نکته‌ای است که هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه ایالات متحده، در نطق اخیر خود در دانشگاه جورج تاون به آن اشاره کرد: "مردمسالاری، نه صرفاً به معنی برگزاری انتخابات برای انتخاب رهبران کشورها، بلکه وجود شهروندان فعال، رسانه‌های آزاد، قوه قضائیه مستقل و مؤسسه های دولتی شفاف و پاسخگو است که خود را در قبال تمامی شهروندان و محافظت عادلانه و بدون تبعیض از حقوق آنها مسئول می‌داند. در نظام‌های مردمسالار، رعایت حقوق مردم چیزی نیست که رهبران بخواهند در ابتدای هر روز در مورد آن تصمیم بگیرند؛ در واقع، دلیل حکمرانی آنها رعایت حقوق مردم است." (واشنگتن دی. سی، ۱۴ دسامبر ۲۰۰۹)

انتقال آرام قدرت سیاسی پس از انتخابات لازمه نظام مردمسالار است. در نظام سالم مردمسالار، نامزدهایی که در انتخابات شکست خورده‌اند باید به صورتی شایسته و مسالمت‌آمیز از قدرت کناره گیری کنند. با اعمال این شیوه، نامزدهای

"اریک جورلاند" وکیل و کارشناس توسعه با دو دهه تجربه بین‌المللی از بنیان‌گذاران و رؤسای مؤسسه بین‌المللی دموکراسی است که وظیفه طراحی، اجرا و ارزیابی برنامه‌های مربوط به مردم‌سالاری و حکومت داری را بر عهده دارد. تخصص او در انتخابات، فرایندهای سیاسی، جامعه مدنی و شیوه‌های تحلیل داده‌ها است. وی نویسنده کتاب *فرا تر از آزادی و عدالت: نظرات بر انتخابات و پایه ریزی مردم‌سالاری (۲۰۰۴)* است.

در کلمه یک حذف شود نظام سالم مردمسالار، انتخابات به منزله نقطه آغاز دولت‌پایداری است که از حقوق اقلیت‌ها دفاع کرده، آزادی بیان را تضمین می‌کند، به حاکمیت قانون احترام می‌گذارد و در راه ایجاد جامعه مدنی قوی تلاش می‌کند.

انتخابات مردم‌سالار عموماً پایه و اساس تشکیل دولت قانونی تلقی می‌شود. انتخابات با ایجاد امکان انتخاب شیوه اعمال حاکمیت توسط خود مردم، نقطه آغازی برای سایر نهادها و رویه‌های مردمسالارانه محسوب می‌شود. با این حال، مردمسالاری اصیل نیازمند عواملی به مراتب بیشتر از انتخابات است. علاوه بر برگزاری انتخابات، اعمال محدودیت‌های منطبق بر قانون اساسی در مورد قدرت دولت، تضمین احترام به حقوق اولیه مردم، تحمل اقلیت‌های مذهبی یا قومی و امکان ظهور و

شکست‌خورده ضمن حفظ شأن (سیاسی و اجتماعی) خود به تقویت آداب، رسوم و سنت‌های مردم سالارانه در کشورشان کمک می‌کنند. از طرف دیگر، نامزدهای پیروز هم با ابراز دلجویی و احترام به رقبای سیاسی خود می‌توانند با ایجاد پلی میان اختلاف‌هایی (خود و رقبای شکست‌خورده)، احتمال ایجاد درگیری و مخاصماتی را که می‌تواند به روند مردم سالاری و توسعه کشور آسیب وارد کند، به حداقل برسانند.

در نظام مردم‌سالار واقعی، وجود عواملی نظیر حاکمیت قانون، نهادهای سیاسی مردم‌سالار و سازمان‌های مستقل جامعه مدنی ضامن احترام به نتایج انتخابات است. این نهادها و ارزش‌ها به نوبه خود تقویت اعتماد مردم به دولت‌مردان و تمایل آنها به انتقال مسالمت‌آمیز قدرت سیاسی را در پی خواهد داشت.

### حاکمیت قانون

لازمه دموکراسی احترام به حاکمیت قانون است که صرف نظر از نتایج انتخابات در جای خود محفوظ است. شورای امنیت (سازمان بدون پارانتر) ملل متحد حاکمیت قانون را به این صورت تعریف می‌کند: "همه افراد، مؤسسه‌ها و نهادها - چه دولتی و چه خصوصی - و از جمله خود دولت در قبال احترام و رعایت قوانینی که به صورت عمومی انتشار یافته، در مورد همگان به صورت یکسان اعمال شده و مستقلاً و منطبق با قوانین و استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر تدوین و تصویب شده‌اند، مسئول و پاسخگو هستند."

مشروعیت قانونی، رعایت اصل بی‌طرفی، کارایی، نظارت و ایجاد تعادل از عمده‌ترین عوامل تشکیل‌دهنده حاکمیت قانون محسوب می‌شوند. لازم‌ه مشروعیت قانونی آن است که قوانین تداعی‌کننده نوعی اجماع عمومی در سطح جامعه بوده و در خلال روندی دموکراتیک و آزاد به تصویب رسیده باشند. رعایت اصل بی‌طرفی، مواردی نظیر اعمال یکسان قانون برای همگان، رعایت عدالت در رسیدگی به پرونده‌های قضایی، حفاظت از آزادی‌های مدنی و دسترسی معقول به دادگستری (نهادهای مسئول قضایی) را شامل می‌شود. منظور از کارایی، اعمال و اجرای مستمر قوانین است.

قوانین وضع‌شده با رعایت اصل بی‌طرفی که از حقوق همه شهروندان محافظت کند به ایجاد دولتی دموکراتیک با مشروعیت قانونی کمک می‌کند. از آنجا که وجود چنین قوانینی در یک نظام سالم مردم‌سالار احترام و وفاداری عمومی را به دنبال دارد، شهروندان چنین جامعه‌ای پذیرای نتایج انتخاباتی هرچند ناامیدکننده خواهند بود. کشوری که در آن قوانین عادلانه اجرا شده و در آن به اختلافات با رعایت اصل بی‌طرفی رسیدگی شود، از ثبات بیشتری برخوردار است. از طرف دیگر، تصویب و اجرای قوانین غیرعادلانه یا تبعیض‌آمیز، احتمال عدم احترام عموم به قوانین را افزایش می‌دهد. در صورتی که قوانین به طرز فاحشی غیرعادلانه و تبعیض‌آمیز باشند، مخاطراتی نظیر نافرمانی عمومی یا حتی شورش را به دنبال داشته و فضا را برای عدم تحمل نتایج انتخاباتی دور از انتظار فراهم می‌آورد. به همین دلیل، رئیس‌جمهوری وقت ایالات متحده دوايت دی.

آیزنهاور در سخنانی گفت: "ملموس‌ترین مثال در زندگی روزمره ما که از طریق آن می‌توان تعریف شفافی از حاکمیت قانون ارائه داد، یادآوری اتفاقاتی است که در نبود حاکمیت قانون بر ما گذشته است."

حاکمیت قانون به معنی احترام به حقوق مدنی اساسی و هنجارهای قانونی بوده و مستلزم آن است که حقوق و هنجارهای یادشده بر نتیجه انتخابات - هر چه باشد - ترجیح داده شود. در نظام مردم‌سالار، نتایج انتخابات نمی‌تواند بر موضوع‌هایی همانند آزادی بیان، آزادی مطبوعات یا استقلال قوه قضایی تأثیر بگذارد. رهبران جدید، بدون در نظر گرفتن وسعت حوزه مسئولیت قانونی‌شان، هیچ‌گاه نباید این هنجارها را مورد تردید قرار داده یا حقوق هیچ یک از شهروندان از جمله کسانی را که از نامزد مغلوب حمایت کرده‌اند، مورد تهدید قرار دهند.

در نتیجه، احترام به حاکمیت قانون، انتقال مسالمت‌آمیز قدرت پس از انتخابات را به دنبال خواهد داشت. نامزد شکست‌خورده‌ایی که از پذیرش نتایج انتخابات سرباز زند، حمایت عمومی را از دست خواهد داد و شهروندان به چنین شخصی به عنوان فردی کنار گذاشته شده و احتمالاً قانون شکن و قطعاً تهدیدی برای فرهنگ مدنی مشترکشان خواهد نگرست. به علاوه، در کشوری که رویه‌های قانونی رعایت شده و دولت از مشروعیت قانونی کافی برخوردار است، احتمال تمایل شهروندان به شورش یا حمایت از نامزدهای شکست‌خورده‌ای که نتایج انتخابات را نپذیرفته‌اند، کم می‌شود.

### نهادهای سیاسی

وجود نهادهای سیاسی و انتخاباتی توسعه یافته نیز بر احتمال انتقال مسالمت‌آمیز قدرت پس از برگزاری انتخابات می‌افزاید. این نهادها انعطاف‌پذیری مورد نیاز نظام‌های مردم‌سالار برای تحمل مخاصمات بالقوه پس از برگزاری انتخابات بحث برانگیز و مورد مجادله را فراهم می‌آورند. در چنین شرایطی، نامزدهای شکست‌خورده یا گروه‌های مخالف دولت، به جای کشاندن دامنه شکایات و اعتراض‌های خود به خیابان‌ها می‌توانند ادعاهای خود در زمینه غیرواقعی بودن نتایج یا برگزاری جانبدارانه انتخابات را از طریق سازوکارهای قانونی نهادینه شده‌ای نظیر کمیسیون‌ها یا دادگاه‌های رسیدگی به شکایات انتخاباتی پی‌گیری کنند. در صورتی که این نهادها بتوانند انتظار بزرگ داوری عادلانه اختلافات را برآورده سازند، احتمال انتقال مسالمت‌آمیز و دموکراتیک قدرت افزایش یافته و از امکان بروز مخاصمات و درگیری‌های خشونت‌آمیز در اعتراض به نتیجه انتخابات کاسته می‌شود.

نهادهای انتخاباتی قوی و مؤثر بر اعتبار روند انتخاباتی افزوده و زمینه برآورده شدن انتظارات عمومی در احترام به نتایج انتخابات را فراهم می‌آورند. این مؤسسه‌ها به نامزدهای شکست‌خورده، این اطمینان را می‌دهند که مدت زمامداری نامزد پیروز محدود بوده و فرصت رقابت مجدد در آینده وجود خواهد داشت.

نهادهای سیاسی که قدرت دولت را در دست داشته یا آن را





یکی از اعضای کمیسیون انتخابات ملی رواندا در آستانه برگزاری انتخابات در روز بعد، در ماه اوت ۲۰۰۳ در یک مرکز اخذ رأی در کیکالی ایستاده است.

## جامعه مدنی

وجود جامعه مدنی قوی - با حمایت مطبوعات آزاد - همانند نهادهای سیاسی و حاکمیت قانون بر مشروعیت روبه‌های مردمسالارانه افزوده و توقعاتی را که از طرفین برنده و بازنده انتخابات در رعایت "قواعد بازی" می‌رود، به آنان گوشزد می‌کند. سازمان‌های جامعه مدنی می‌توانند به عنوان ناظران اعمال قدرت دولت عمل کرده و طرف‌های شکست خورده را که ممکن است در وسوسه ایجاد اختلال در روند دموکراتیک امور باشند، از انجام هر اقدام نابجایی برحذر دارند.

### سازمان‌های غیردولتی

و سایر نهادهای جامعه مدنی

مستقل و فراگیر می‌توانند در تضمین این نکته که نامزدها و مقام‌های منتخب به نتایج انتخابات و روندهای دموکراتیک احترام می‌گذارند، سهیم باشند. این سازمان‌ها و نهادهای می‌توانند گفت‌وگوهای مهم میان شهروندان و دولت‌های متبوع‌شان را تسهیل کرده و اطلاعات مورد نیاز دولت‌های مردم‌سالار و منتخب را در اختیارشان قرار دهند. گروه‌های دفاع از حقوق مدنی با بررسی جزء به جزء مسائل و نگرانی‌های جامعه به دنبال شفافیت بیشتر در عملکرد و مسئولیت‌پذیری دولت‌ها هستند. این گروه‌ها با اعمال فشار بر دولت‌ها در تحقق بخشیدن به شعارهای انتخاباتی خود، دولت‌ها را به پاسخ‌گویی بیشتر وادار می‌کنند. سازمان‌های جامعه مدنی می‌توانند ضمن تعیین چگونگی رفتار دولت‌ها، توقعات مردم در مورد شیوه حکومت داری را به دولت‌مردان گوشزد کنند.

امروزه اینترنت و سایر فن‌آوری‌های رسانه اجتماعی عرصه‌های جدیدی را در اختیار گروه‌های جامعه مدنی قرار داده‌اند تا از طریق آن بتوانند با سازمان‌دهی، تبادل اطلاعات و اعمال فشار بر دولت‌ها آنها را مجبور به شفافیت و مسئولیت‌پذیری بیشتر کنند. وبلاگ‌ها، پیام‌های کوتاه تلفن همراه، شبکه‌های اجتماعی آنلاین و ابزارهای مشابه وب-محور به گروه‌های جامعه مدنی در افزایش تعداد مخاطبان، افزایش ناگهانی اعضای و درخواست کمک بین‌المللی برای حل مشکلات محلی یا ملی کمک به سزایی کرده‌اند. برای مثال، در زمان مناقشه‌های پس از انتخابات در ایران، شبکه وبلاگ تویتر این امکان را در اختیار کاربران ایرانی قرار داد تا نتایج انتخابات را مورد تردید قرار داده و جهانیان را از حوادث سیاسی جاری در کشورشان مطلع کنند.

کلینتون، وزیر امور خارجه، این سازمان‌ها و شبکه‌ها

کنترل می‌کنند نیز در به وجود آوردن چنین ثباتی سهیم اند. این مسئله به ویژه در نظام‌های مردم‌سالار جدید و در حال توسعه که در آن‌ها نتایج انتخابات می‌تواند شرایط سیاسی نامعلومی را به وجود آورده یا بحران‌هایی را خلق کند، بسیار مهم است. در صورتی که یک رهبر سیاسی از پذیرش نتیجه انتخابات سرباز زند، وجود یک دستگاه قضایی قوی و مستقل که بتواند در برابر چنین تمردی از خود مقاومت نشان دهد از اهمیت به سزایی برخوردار است. هرگاه نظام اداری دولت بر حمایت رهبران سیاسی یا اعضای خود متکی نباشد، هنگامی که زمامداری در پای صندوق‌های رأی شکست خورد، از آرای مردم بهتر صیانت خواهد شد. در این صورت، کارکنان دولتی از انگیزه کمتری برای (انجام اقدامات غیرقانونی در) حمایت از زمامدار شکست‌خورده و ایجاد اختلال در روند دموکراتیک برگزاری انتخابات برخوردار خواهند بود. نهادهای سیاسی معتبر با دآوری اختلافات و ایجاد مشوق‌هایی برای رهبران، قانون‌گذاران و مأموران دولتی آنها را به زمامداری با رعایت اصول مردمسالارانه تشویق می‌کنند.

زمامداری مؤثر - شامل مسئولیت‌پذیری عمومی، پاسخ‌گویی، شفافیت و کارایی - به مشروعیت سیاسی لازم در ایجاد نظام مردم‌سالار کمک می‌کند. این نکته‌ای است که پرزیدنت باراک اوباما [۵] در نطق خود در مقابل نمایندگان پارلمان غنا به آن اشاره کرد: "در قرن بیست و یکم، وجود نهادهای توانا، قابل اتکا و شفاف برای برخورداری از داشتن پارلمان‌های قوی، نیروهای درست‌کار پلیس، قضات و خبرنگاران مستقل، بخش خصوصی با طراوت و جامعه مدنی بانشاط نقشی تعیین‌کننده ای بازی می‌کنند." (آکرا، غنا، ۱۱ ژوئیه ۲۰۰۹)





© AP Images/Srdjan Ilic

در ۲۴ اکتبر ۲۰۰۰، در بلگراد، وزرای دولت انتقالی جدید صربستان طی یک جلسه مجلس سوگند یاد می کنند. پیروان و جیسلانو کاستونیکا، رئیس جمهوری جدید، موافقت کردند تا زمان برگزاری انتخابات جدید در ماه دسامبر قدرت را با حزب سوسیالیست اسلوبودان میلوسویچ شریک شوند.

بردباری و مصالحه با آنها مشارکت کنید؛ شما باید منافع مردم خود و تضمین مشروعیت شیوه های سیاسی را بر اهداف حزبی خود ارتزجیح دهید. در غیاب این عوامل، انتخابات به تنهایی قادر به ایجاد نظام مردم سالار به معنی واقعی کلمه نخواهد بود.“ (دانشگاه قاهره، قاهره، مصر، ۴ ژوئن ۲۰۰۹)

وجود عواملی مانند احترام به حاکمیت قانون، وجود نهادهای سیاسی توسعه یافته و مشارکت قوی جامعه مدنی، انتظار و احتمال جابه جایی مسالمت آمیز قدرت پس از برگزاری انتخابات را افزایش می دهد. در کشورهایی که نهادها نماینده و حافظ منافع گوناگون مردم محسوب شده، خواسته های عمومی را به خوبی منتقل کرده، امکان مباحثات سیاسی را فراهم آورده و قوانین را به صورتی مؤثر و بی طرفانه اجرا می کنند، مردم احترام بیشتری قائل هستند. برای چنین ملت هایی، امکان انجام تغییر به شیوه ای مسالمت آمیز باعث عدم نیاز به تغییرات بنیادی دیگر در مورد نتایج انتخابات می شود و اطمینان از این که انجام انتخابات گام نخستین برای حکومت داری دموکراتیک وسیع تری خواهد بود.

را با مسئولیت پذیری و پاسخگویی دولت مرتبط دانسته است. به گفته وی: ”جامعه مدنی، نهادهای سیاسی را به چابکی و پاسخگو بودن در قبال مردمی که به آنها خدمت می کنند فرا می خواند.“ (مراکش، ۳ نوامبر ۲۰۰۹). سازمان های جامعه مدنی به شهروندان در خصوص روش های نوین درخواست مسئولیت پذیری و شفافیت از طرف دولت کمک کرده و مشوق های بیشتری را در اختیار دولت ها قرار می دهد تا به هنجارها و اصول مردم سالارانه وفادار بمانند.

### احترام به نتایج انتخابات و آمادگی برای مراحل بعد از آن

مردم سالاری ایجاد برخی انتظارات و برداشت عمومی نظیر احترام به حاکمیت قانون و نتایج انتخابات را در پی دارد. لازمه مردم سالاری، احترام به ارزش ها پس از پیروزی در انتخابات است. پرزیدنت اوپاما ضمن ایراد نطقی در قاهره بر این حقایق اساسی صحه گذاشت:

”بنابراین، بدون توجه به موقعیت مکانی، دولت منتخب مردم معیاری واحد برای تمام کسانی که قدرت را در اختیار دارند تعیین می کند: شما باید قدرتتان را با رضایت مردم و نه با تهدید و اجبار حفظ کنید؛ شما باید به حقوق اقلیت ها احترام گذارده و با

# اجزاء نظام مردم سالار قابل انعطاف والری بونس



© AP Images/Alexander Zemlianichenko

مردم اوکراین طی یک گردهمایی در کیف در ۲۰۰۴ از ویکتور یوشچنکو، رهبر گروه مخالف، حمایت و پشتیبانی می کنند. ده ها هزار نفر علیه تقلب در انتخابات و ارباب رای دهندگان تظاهرات کردند. "انقلاب نارنجی" به ابطال نتایج انتخابات منجر گشت. انتخابات آزاد و منصفانه ای در پس آیند این رویداد برگزار شد.

انتخابات دولتها را در قبال حکومتداری منطبق بر قانون متعهد و مسئول قرار می دهد. این مهم زمانی اتفاق می افتد که:

- شهروندان در انتخاب نمایندگان سیاسی موردنظرشان آزاد باشند؛
- شهروندان بتوانند نامزدهایی را انتخاب کنند که به دنبال حمایت از آنها هستند؛ و
- انتخاب مجدد دولت مردان برای ابقاء در منصب های قانونی شان تنها پس از طی زمان مشخصی امکان پذیر است. مسئولان دولتی ضمن دریافت احکام منظم انتخاباتی در مورد شیوه عملکردشان، همواره با خطر از دست دادن قدرت در پای صندوق های رأی مواجه هستند.

انجام انتخابات رقابتی، به وجود آمدن حس عدم اطمینان از

والری بونس، استاد رشته حکومتداری و معاون دانشکده مطالعات بین المللی دانشگاه کورنل است. وی کارشناس مسائل دموکراسی و حکومت مبتنی بر تمرکز قدرت مستبدانه در کشورهای اروپایی و اروپا-آسیایی پس از فروپاشی کمونیسم و یکی از ویراستاران کتاب دموکراسی و قدرت طلبی در جهان پس از کمونیسم (۲۰۰۹) است.

انتخابات در نظام سالم مردم سالار، دولتها را در قبال فراهم آوردن امکان انتقال قدرت مسالمت آمیز به نهادهایی مسئول و پاسخگو تبدیل می کند.

انتخابات مردم سالارانه به عواملی بیش از رای دادن و شمارش برگه های رأی نیازمند دارد. در نظام سالم مردم سالار،

قطعیت پیروزی در انتخابات را برای داوطلبان کسب مناصب سیاسی به دنبال داشته و آنها را به پاسخگویی بیشتر در قبال شهروندان تشویق می‌کند.

انتخابات تنها زمانی به پاسخگویی مسئولان خواهد انجامید که به طور مستمر و در فضایی آزاد و عادلانه برگزار شود. در بسیاری از نظام‌های مردمسالار تازه تأسیس در مناطق جنوبی صحرای آفریقا و کشورهای اروپا - آسیایی رهایی یافته از کمونیسیم، صرف ایجاد رقابت انتخاباتی ضمانتی برای پاسخگوبودن مسئولان در این کشورها نبوده است. دلیل این امر در برخی از مواقع انجام غیر عادی و بی‌نظم رویه‌های انتخاباتی، به جای برگزاری شفاف و انطباق کامل انتخابات با رهنمون‌های نشأت گرفته از قانون اساسی در این قبیل کشورها است. در برخی کشورها، صاحبان مناصب دولتی با توزیع کمک‌ها در میان حامیان شناخته شده و بالقوه‌شان، حوزه‌های مؤثر سیاسی را در اختیار خود گرفته یا با ایجاد گروه‌های مخالف "غیر واقعی" مخالفان "واقعی" خود را به ستوه می‌آورند. به علاوه، رژیم‌های ظاهراً مردمسالار، این امکان را در اختیار دارند تا با کنترل مثبت نام رأی‌دهندگان، تعداد کل واجدان شرایط و شمارش آرای مأخوذه مدت زمامداری خود را افزایش دهند.

هنگامی که رقابت شدیدی میان احزاب و نامزدهای مخالف در جریان باشد، فاصله میان شبیه سازی و اعمال واقعی دموکراسی کم می‌شود. در چنین شرایطی، شهروندان و گروه‌های جامعه مدنی، که به نوبه خود وظیفه سازمان‌دهی مثبت‌نام رأی دهندگان، اخذ رأی و نظارت بر انتخابات را برعهده دارند، برای برگزاری انتخابات بسیج می‌شوند. این دقیقاً همان اتفاقی بود که در انتخابات مهم سال ۱۹۹۸ در اسلوانی، سال ۲۰۰۰ در کرواسی و صربستان، سال ۲۰۰۳ در گرجستان و سال ۲۰۰۴ در اوکراین به وقوع پیوست. در هر یک از این موارد، شهروندان این کشورها با به کارگیری شیوه‌های دموکراتیک، از جمله رأی دادن و انجام تظاهرات اعتراض‌آمیز، حاکمان قدرت‌طلب یا جانشینان خلف آنها را مجبور به پذیرش شکست در انتخابات کردند.

انتقال قدرت، از چالش‌های پیش‌روی هر نظام سیاسی در دنیا محسوب می‌شود. در این میان، نظام‌های سالم مردمسالار به شیوه ای آرام و مسالمت‌آمیز به ساماندهی این وضعیت بفرنج می‌پردازند. در انتخابات سالم و انتقال مسالمت‌آمیز قدرت سیاسی، شکست‌خوردگان امروز می‌توانند برندگان فردا باشند و برعکس. برندگان و حامیان آنها باید در قبال نظرات رقبای خود مسئول و پاسخگو بوده و همواره نینمناهی به دور بعدی انتخابات داشته باشند. از طرفی شکست‌خوردگان و طرفداران آنها باید به جای ابراز دلخوری از وقایع گذشته، بر احتمالات کنونی و آینده تمرکز کنند. آنها با اطمینان از این که رعایت قواعد بازی در انتخابات بعدی به یاری‌شان خواهد آمد، با نظم سیاسی موجود راحت تر

کنار آمده و کمتر احتمال دارد در پی سرنگونی خشونت‌آمیز یک دولت مردمسالار باشند.

هر انتقال قدرت به رهبری سیاسی جدید به مفهوم انجام پاره‌ای تغییرات بوده و در عین حال چالشی برای ثبات سیاسی کشورها محسوب می‌شود. نظام‌های مردمسالار با برگزاری انتخابات منظم و رقابتی فرصت‌های واقعی را برای رهبران نوظهور ایجاد کرده و با فراهم آوردن امکان انتقال شفاف قدرت به برندگان و بازندگان انتخابات در قبول سرنوشت خویش کمک می‌کنند. با این حال، نظام‌های مردمسالار در چگونگی تخمین منافع ثبات سیاسی در مقابل نیاز به پویایی و تغییر سیاسی و حتی ایستادن برخلاف خواست و تمایل رأی‌دهندگان برای برگشت چندباره یک نامزد به قدرت نظرات متفاوتی دارند. برای مثال، قانون اساسی در ایالات متحده آمریکا، روسیه، ارمنستان و بیش از ۳۰ کشور در مناطق جنوبی صحرای آفریقا محدودیت‌هایی را برای مدت خدمت رهبران سیاسی قائل شده است. این محدودیت‌ها با جلوگیری از به دست گرفتن درازمدت زمام امور در اختیار یک فرد، از ایجاد حکومت‌های استبدادی ممانعت به عمل آورده و در عین حال شهروندان را از امکان رأی‌دادن مجدد به نامزدهایی که زمان حکمرانی‌اش قانوناً به پایان رسیده، محروم می‌کند.

بنابراین، انتخابات در یک نظم مردمسالارانه دو وظیفه اساسی را برعهده دارد. دولت‌ها را در قبال شیوه حکومت‌داری مسئول و پاسخگو کرده و انتقال مسالمت‌آمیز قدرت سیاسی را تسهیل می‌کند. این دو عامل، به نوبه خود، مشروعیت نظام‌های مردمسالار را تحت تأثیر قرار می‌دهد. شهروندان در یک نظام سالم مردمسالار، وجود دولت منتخب و پاسخگو را "تنها راه" رتق و فتق مؤثر مسائل سیاسی در کشورشان تلقی می‌کنند.

---

*آراء بیان شده در این مقاله ضرورتاً منعکس کننده دیدگاه‌ها یا سیاست‌های دولت آمریکا نیست.*

# تأثیر ماندگار رسانه های دیجیتالی بر جامعه مدنی

فیلیپ ان. هورد



© AP Images

ژوئن ۲۰۰۹: دوربین های تلفن های همراه به اعتراض تظاهرکنندگان علیه نتایج انتخابات در تهران، ایران سندیت می دهند.

دیگر وسایل ارتباطی است. این موضوع به ویژه در کشورهای صاقد است که مطبوعات و نشریات، و رسانه های صوتی و تصویری به شدت سانسور می شوند. به طور خلاصه فن آوری موجب تقویت ابزار تازه ارتباطات سیاسی شده و شهروندان را با فکر و عمل دموکراتیک آشنا کرده است.

جامعه مدنی غالباً این گونه تعریف می شود، جامعه ای خود جوش که حمایت از خود را به عهده دارد و متشکل از افرادی است که در اصلی ترین ارزش ها مشترک بوده و فعالیت های سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی را مستقل از دولت سازمان می دهد. گروه های جامعه مدنی دارای ابعاد مختلفی هستند، از سازمان عفو بین الملل تا مسابقه های بولینگ در ایالات متحده و جوامع اینترنتی در سراسر جهان.

گروه های مدنی به ویژه در طی انتخابات اهمیت زیادی پیدا می کنند زیرا معرف دیدگاه های متفاوت هستند و به انتشار وسیع

فیلیپ ان. هورد دانشیار گروه آموزشی ارتباطات و استاد دانشکده مطالعات بین الملل جکسون دانشگاه واشنگتن، واقع در سیاتل است. او نویسنده آثاری چون مبارزه های رسانه ای جدید و شهروند هدایت شده (۲۰۰۶) و منشأ دیجیتالی دیکتاتوری و دموکراسی است که در سال ۲۰۱۰ و از سوی انتشارات دانشگاه آکسفورد منتشر خواهد شد.

رسانه ها و شبکه های اجتماعی دیجیتالی، ابزار ارتباط و آماده سازی را در اختیار شهروندان و نهادهای جامعه مدنی قرار می دهند. این ابزار، میدانی برای مطرح ساختن آرا و ابراز مخالفت ایجاد می کنند که گرایش به سوی دموکراسی سیاسی را تقویت می کند.

فن آوری های نوین اطلاعاتی، شکل تازه ای به فرهنگ سیاسی داده اند. زیرساخت های جامعه مدنی قرن بیست و یکم و موجودیت "مأمَن" گفتگوهای مدنی دیجیتالی، در گرو اینترنت و



آن از طریق رسانه های ارتباطی می پردازند. گستردگی دیدگاه ها، به شهروندان اطمینان می دهد که در یک جامعه دموکرات، هیچ گروه واحدی نمی تواند ادعای نمایندگی کل جامعه را داشته باشد. بلکه، گروه های متعددی در تعیین اهداف ملی و تدوین خط مشی ها مشارکت می کنند.

### ایجاد جوامع مجازی

گروه های جامعه مدنی، از اینترنت به منزله ابزار تدارکاتی جهت سازماندهی و ارتباطات استفاده می کنند. شبکه جهانی اینترنت، زیرساخت های اطلاعاتی مستقل از دولت را برای آنان تأمین می کند، که محلی برای رشد حرکت های اجتماعی است. برای مثال، آن دسته از شهروندان تونس که متوجه وجود فساد در دستگاه دولت شده بودند، موفق به تهیه تصاویر ویدیویی از همسر رئیس جمهوری تونس شدند که از هواپیمای دولتی برای خرید از میلان و پاریس استفاده می کرد، و اسناد آن را از طریق یوتیوب پخش کردند. به این ترتیب، اینترنت موجب تغییر فرایند ارتباطات سیاسی در بسیاری از کشورها شده است. فضای مجازی، محل به چالش کشیدن دولت از سوی جامعه مدنی است. در برخی کشورها، محل رقابت بین سکولاریسم و اسلام گرایی است، و در برخی دیگر، میدانی برای انواع بحث های سیاسی. بعد از انتخابات، معمولاً جوامع مجازی مستقل از دولت هستند، حتی اگر از سوی دولت بازرسی شده و یا محتوایشان تحریف گردد. هر چند نخبگان سیاسی تلاش می کنند با ایجاد برخی جوامع مجازی، به کنترل گفتگوهای اینترنتی بپردازند، اما عموماً موفقیتی نصیب آنها نمی شود. در کشورهایی مانند استرالیا، کانادا، ایالات متحده، و بریتانیا، گاهی به آن، جنبش های "تشکیلاتی" اطلاق می شود. این ها عموماً مصنوعی بوده و ریشه نمی گیرند و کمی بعد از روز رأی گیری نیز از بین می روند.

آن چه ماندگار است، پیوندهای میان گروه های مدنی داخل کشور، و میان سازمان های غیردولتی بین المللی و انجمن های همفکر داخل کشور است. این جوامع مجازی به ویژه در کشورهایی که دولت و نخبگان اجتماعی دست به سانسور شدید می زنند، بسیار مؤثر هستند. در کشورهایی که مخالفت های سیاسی با محدودیت مواجه است، فضای مجازی، جایگزین میدان بحث و گفتگویی شود. حتی تابلوهای اعلانات اینترنتی و فضاهای گفتگویی که برای خرید انواع معروف ساعت ایجاد شده، عملاً تبدیل به تارنماهایی می شوند که می توان در آن ها آزادانه به اظهار عقیده پرداخت و صحبت از خرید ساعت جای خود را به دفاع از آزادی بیان می دهد. اینترنت این امکان را می دهد که جنبش های مخالف مستقر در خارج از کشورهایی که به شیوه دیکتاتوری اداره می شوند، با داخل کشور ارتباط برقرار کنند و تبدیل به جزئی از سیستم ارتباط سیاسی گردند. ممنوع اعلام کردن احزاب سیاسی به این معنا است که جناح سیاسی مخالف، از طریق اینترنت و خارج از کشور تشکیل می شود. و نیز رهبران جامعه مدنی، به شکل های دیگر تشکیلاتی روی می آورند که از طریق فن آوری های شبکه ای فعالیت می کنند.

### کمک به تعهد مدنی

اخیراً در کشورهای مالزی، اندونزی، و ترکیه انتخاباتی برگزار شد، و به گفته اکثر ناظران، انتخابات از روند رضایت بخشی برخوردار بود.

رسانه های دیجیتال در فعالیت های سیاسی نقش داشتند، و برای همین، دموکراسی تقویت شد. علی رغم تاریخ متفاوت این کشورها، فرهنگ سیاسی در هر سه کشور داری ویژگی های مشابهی است:

- محتوای بین المللی اخباری که شهروندان به طور معمول دریافت می کنند، افزایش یافته است.
- خانواده و دوستان در ارتباطات خود از توییتر، فیس بوک و اورکات استفاده می کنند که خارج از کنترل مستقیم دولت است.
- نقش آفرینان جامعه مدنی، از طریق اینترنت شکوفا شده اند - حتی زمانی که دولت ها در داخل کشور دست به اقدامات سرکوبگرانه زده اند.
- زنان در بحث های فضای مجازی به گونه ای شرکت دارند که در فضای "واقعی" امکان آن وجود ندارد.

امکان فعالیت های سیاسی مبتنی بر هویت - خصوصاً برای جمعیت جوان شهرنشین و دارای شعور فن آوری - از طریق دیجیتال فراهم است. از فلسطینی ها تا یونانی ها، و ارمنه تا میانوها، کاربران جوان اینترنت که در تبعید به سر می برند، مطالب زیادی درباره فرهنگ و سیاست شان یاد می گیرند. این شکل های تازه ارتباط سیاسی، سهم به سزایی در فعالیت های مثبت سیاسی داشته اند. حتی احزاب اسلامی پرشور و حرارت هم برای جذب رأی دهندگان و ایجاد انگیزه در آنان، مجبور شده اند پیام خود را تعدیل کرده و فن آوری های جدید اطلاعاتی را به کار گیرند.

توییتر، بلاگ ها، یا یوتیوب، مسبب ناآرامی های اجتماعی نیستند. اما امروزه، حتی در کشورهایی مانند ایران و مصر هم مشکل می توان جنبش های اجتماعی متشکل و تعهد مدنی را بدون استفاده از آن ها تصور کرد. بسیاری از مردم در این کشورها به اینترنت یا تلفن همراه دسترسی ندارند. اما آنانی که چنین امکانی دارند - ساکنان شهرها، قشر محدود تحصیل کرده، و جوانان - دقیقاً همان اقشار جمعیت هستند که ممکن است مسبب تغییر رژیم و یا حامیان نتیجه خاص انتخاباتی باشند. این ها شهروندانی هستند که از یک حکومت دیکتاتوری حمایت و یا به آن پشت می کنند و کسانی هستند که ارتباطشان با دوستان و خانواده، با رواج فن آوری های نوین ارتباطی، دستخوش تحولی بارز شده است.

هنگامی که انتخاباتی به پایان می رسد، نزدیکی و آشنایی با رسانه های جدید بر جا می ماند. انتخابات تبدیل به دوران حساسی شده که رهبران دانشجویی، خبرنگاران، و گروه های جامعه مدنی، فن آوری های دیجیتال را طی آن تجربه می کنند. حتی اگر نامزدهای مورد نظر آن ها برنده نشوند، فرایند این تجربه

انواع مسائل عمومی، از جمله نقش فن آوری های نوین ارتباطی. پرسش هایی درباره استاندارد فن آوری - مانند توزیع طیف جمعیت، سانسور دولتی، و دسترسی به وسایل ارتباطی دیجیتال - تبدیل به موضوع های مورد بحث می گردد. احتمال دارد مردم از نامزدهای سیاسی مصرانه درخواست توضیح در مورد برنامه هایشان در زمینه گسترش استفاده از ارتباطات دیجیتال را داشته باشند و همین طور از بین بردن اختلاف دسترسی دیجیتال میان کشورهای برخوردار از فن آوری و کشورهای فاقد آن. الگوی آماری انتخابات مجلس قانونگذاری که اخیرا در مالزی برگزار شد، نشان می دهد که احتمال پیروزی نامزدهای رقیب که از بلاگ استفاده می کردند، بر افرادی که قدرت را در دست داشتند و از بلاگ استفاده نمی کردند، بیشتر بود. امروزه، مشکل می توان یک نامزد سیاسی را که در فعالیت هایش راهبردی، فن آوری دیجیتال را به کار نمی گیرد، نوین خواند. زیرساخت های اطلاعاتی جنبه سیاسی دارند. و در بسیاری از کشورها، بیشتر از فرهنگ سیاسی مسلط قابلیت مشارکت ایجاد می کنند. در نتیجه، سیاست مبتنی بر فن آوری نوین، به نظم پیشین که تحت کنترل اقلیت نخبه بود، جنبه دموکراتیک می بخشد. هر بار که یکی از شهروندان، با استفاده از تلفن همراه خود به ثبت یک مورد از نقض حقوق بشر می پردازد، از صفحه اطلاعات مشترک برای ردیابی هزینه های دولت استفاده می کند، یا دیگران را در اطلاعات خود درباره موارد فساد مقام های مسئول سهیم می کند، جامعه مدنی تقویت شده و یک گام به دموکراسی نزدیک تر می شود. ماندگارترین تأثیر رسانه های دیجیتال شاید این است که شهروندان را با مصرف و تولید مضامین سیاسی مانوس می کند.

---

*آراء بیان شده در این مقاله ضرورتاً منعکس کننده دیدگاه ها یا سیاست های دولت آمریکا نیست.*

اهمیت دارد، زیرا شهروندان با استفاده از رسانه های دیجیتالی نوعی زیرساخت اطلاعاتی بنا می کنند که کاملاً مستقل از دولت است. رسانه های دیجیتالی اثر ماندگاری بر جامعه مدنی باقی می گذارند، اثری که بعد از اتمام انتخابات هم کماکان بر جا می ماند. اینترنت فرصت یادگیری را به جوانان می دهد، برای مثال، درباره کشورهایی که مذهب و آزادی در کنار یک دیگر وجود دارد. با گذشت زمان، شهروندان بیشتری استفاده از اینترنت را می آموزند و مهارت های جستجو در آن را گسترش می دهند، و در مورد کسب اطلاعات، ارزیابی و استفاده از آن، آزموده تر می شوند.

### تحکیم جامعه مدنی

صاحب نظران به حق خاطر نشان می کنند که از اینترنت در حمایت از شبکه های تروریستی هم استفاده می شود. آن ها متوجه شده اند که برخی از حکام، از طریق سانسور رسانه های نوین، به ابزار پیچیده ای برای کنترل اجتماعی دست پیدا کرده اند. اما این داستانی مفصل تر است از آن چه "جهاد الکترونیکی"، "تروریسم اینترنتی"، "جنگ سایبری"، و "فتوا های دیجیتالی" خوانده می شود. نقش رسانه های اجتماعی در تحکیم جامعه مدنی، در گذر زمان نشانگر مشارکت پایدار آن در فرهنگ سیاسی خواهد بود.

طی دوران حساس سیاسی، مانند انتخابات یا بحران های سیاسی و نظامی، ابزاری از قبیل تلفن های همراه و اینترنت، به سه طریق ارتباط سیاسی را تقویت می کنند: نخست این که، در مواقع بحرانی، کاربران این فن آوری، ضوابط اعتماد و ارتباط متقابل را به بهترین وجه رعایت می کنند. آن ها تصاویر را برای یک دیگر ارسال کرده و به هم یاد می دهند چگونه ارتباط خود را با خانواده و دوستان حفظ کنند، و از طریق تأمین اطلاعات محلی، به کسانی که در خارج هستند هم نیز کمک کنند.

دیگر این که، گروه های جامعه مدنی غالباً از راهبردهای فعالیت دیجیتالی یک دیگر تقلید می کنند. تا اندازه ای به این دلیل که فعالیت های دموکراتیک از یک کشور به کشور دیگر منتقل می شود و هنگام انتخابات، به گروه های محلی کمک می کند. اما انتخابات نیز فرصتی است تا گروه های مختلف از شیوه های یک دیگر باخبر شده و اندیشه های ضروری را به مردم برسانند. سوم این که، انتخابات فرصتی است برای به بحث گذاردن



# شیوه بیان پذیرش شکست در دموکراسی

نوشته پل کورکوران

از انتخابات او، پیروی از قاعده دیرین سخنوری بود: دوستان من، به پایان سفری طولانی رسیدیم. مردم آمریکا حرف خود را زدند، و خواسته خود را به روشنی بیان کردند. کمی پیشتر، افتخار داشتم که با سناتور باراک اوباما تماس بگیرم و به او تبریک بگویم... برای انتخابش به عنوان رئیس جمهوری آینده کشوری که هر دوی ما آن را عاشقانه دوست داریم. در این رقابت های طولانی و دشوار، موفقیت، قابلیت، و پشتکار او مورد احترام من است. او با این کار توانست الهام بخش و مایه امید میلیون ها تن از مردم آمریکا باشد که زمانی به غلط تصور می کردند سهم یا نفوذ اندکی در انتخاب رئیس جمهوری در آمریکا دارند و من این امر را عمیقاً ستایش می کنم و برای رسیدن به چنین نتیجه ای به او تحسین می گویم. باراک اوباما در نطق پس از پیروزی خود، پاسخ او را داد و بر این نکته تأکید کرد که "ما هرگز تنها مجموعه ای از افراد یا مجموعه ای از ایالت های قزمز [ایالت های عمدتاً جمهوری خواه] و ایالت های آبی [ایالت های عمدتاً دموکرات] نبوده ایم. ما ایالات متحده آمریکا هستیم و همیشه هم خواهیم بود." گفته های بعدی رئیس جمهوری منتخب، نشان قدرانی از رقیب انتخاباتی او بود:

امشب، کمی پیشتر، پیام پر لطف و محبتی از طرف سناتور مک کین دریافت کردم. سناتور مک کین مبارزه انتخاباتی دشوار و طولانی را پشت سر گذاشته است. و برای کشوری که به آن عشق می ورزد، مبارزه ای حتا دشوارتر و طولانی تر هم کرده است. او فداکاری هایی برای آمریکا کرده که بسیاری از ما حتا نمی توانیم آن را به تصور آوریم. وضعیت خوب امروز کشور را مدیون خدمات این رهبر از خود گذشته هستیم.

در همه کشورهایی که دارای دموکراسی سالم هستند، شاهد روایت های مختلفی از این ماجرا هستیم. سگولن رویال برای نیکلا سارکوزی چنین آرزو کرد که "بهترین موفقیت ها را در انجام مأموریتش در خدمت به همه مردم فرانسه کسب کند." تارو آزو، نخست وزیر ناکام ژاپن، اعلام کرد، "من اعتقاد دارم که این قضاوت مردم است و باید به آن احترام گذاریم." در پایان فعالیت های سیاسی در سراسر جهان، مبادلات محترمانه مشابهی صورت می گیرد. برخی این بیانات را صرفاً نوعی رعایت آداب و رسوم می دانند: غیر واقعی، بی دلیل، و در بهترین صورت، آن را قهرمان بازی های از مد افتاده تلقی می کنند. اما همین بیانات، نقش حساسی را ایفا می کنند: در سخنرانی های بعد از انتخابات، رقیبی که از میدان بیرون رفته، برحقانیت نتایج انتخابات تأکید می کند. جواب فرد پیروز نشان دهنده این است که به حامیان همه نامزدها به چشم بخش ارزشمند سیاست ملی توجه می شود. به این ترتیب، هر انتخابات، صرف نظر از شدت و حرارت مبارزات، با تأکید بر اتحاد ملی پایان می پذیرد.



©AP Images/Michel Euler

سگولن رویال، نامزد حزب سوسیالیست برای ریاست جمهوری فرانسه، در ۶ مه ۲۰۰۷ در پاریس شکست خود را تأیید می کند. او در عین همراهی با دلسردی طرفدارانش گفت، امیدوار است که نیکولا سارکوزی، برنده انتخابات، "مأموریت خود را برای خدمت به تمام فرانسوی ها به انجام برساند."

*پل کورکوران، محقق برجسته سیاسی آمریکایی و دانشیار دانشگاه آدلاید استرالیا است. توجه خاص او به موضوع هایی در مورد ارتباطات سیاسی، از جمله راهبردهای مبتنی بر فن بیان و ساختار اجتماعی رسانه ها؛ فلسفه سیاسی؛ و سیاست و هنر است.*

سخنرانی هایی که پس از پایان رقابت های سخت انتخاباتی ایراد می شوند، نقشی بیشتر از مراسمی بی محتوا دارند. این سخنرانی ها شاهدهی بر صحت نتایج، تحکیم کننده وحدت ملی، و هموار راه صلح آمیز و مؤثر انتقال قدرت هستند. در چهارم نوامبر سال ۲۰۰۸، در حالی که شمارش آرا به اتمام نرسیده بود، دو نامزد اول ریاست جمهوری آمریکا نقش خود را در خاتمه دادن به ماجرای رسمی سیاسی ایفا کردند. اولین سخنرانی متعلق به جان مک کین، کاندیدای مغلوب بود. نطق بعد



کارکنان ستاد انتخاباتی جان کری، به سخنرانی پذیرش شکست نامزدشان در انتخابات سال ۲۰۰۴ گوش می دهند.

## تشریفات رسمی برای انتقال قدرت

با کمال تعجب باید گفت که نامزد بازنده، دارای فرصت بیشتری برای ایراد خطابه در شب پرماجرایی نتیجه انتخابات است که در روند دموکراسی اهمیت زیادی دارد. فرد برنده ناگزیر باید به وعده های انتخاباتی بازگردد. او با سپاسگزاری از لطف و محبت رقیب، یک بزرگ مرد جلوه می کند، در حالی که این بزرگ کردن رقیب

دستاورهای خود او را هم با اهمیت تر جلوه می دهد. شبیه بیان پذیرش شکست، وظیفه مهم تری هم در مراسم رسمی انتقال قدرت در کشور دموکرات دارد. نطق تسلیم بعد از انتخابات، که توسط شخصیتی محکم و در زمان فشارهای شدید عاطفی ایراد می گردد، شرایط ضروری فرهنگی برای ثبات اجتماعی و قدرت برحق سیاسی را تجسم می بخشد. بحران نمادینی (انتخابات) را که کشورهای دموکرات دائما و با اهداف مشخص تجربه می کنند، به صورت تشریفاتی پایان می دهد، و به این ترتیب حاکمیت مردم و نظام مبتنی بر قانون اساسی را تقویت می کند. برای فرد مغلوب، این نطق و سخنوری موجب می شود که شکست انتخاباتی تبدیل به روایت پیروزی گردد: طرف مغلوب، تعهدات آینده خود را برای پیروزی در آینده تجدید می کند. زبان مبارزه، سرسپردگی حزبی، و اصول متضاد، تبدیل به نمادهای فضیلت کهن، جوانمردی، و روحیه ورزشکاری می شود - یعنی در مرتبه ای که کار اساسی، جلوگیری از بازی است و رعایت قواعد بازی، برد یا باخت بیشتر اهمیت دارند. برخی، انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا را به فعالیت های تشکیلاتی تشبیه می کنند که میان دور قیاب دشمن صورت می گیرد. این فعالیت ها مانند جنگ، پر سر و صدا و پرشور هستند. رسانه ها مایلند با تکیه بر تفرقه و جنگ، و اعلام اسامی برندگان و بازندگان در نظر سنجی های هفتگی، به این موضوع دامن بزنند. نامزدها قابلیت، شخصیت و استعداد رهبری رقبای خود را زیر سوال می برند. در مورد پیشینه نامزدهایی که بر سر کار هستند، به دقت کنکاش می شود. درباره نشانه های ضعف نامزدها تحقیق می شود. نامزدهایی که قبلا در قدرت هستند وارد "وضعیت انتخاباتی" می شوند و تلاش زیادی در این قبیل فعالیت ها می کنند.

سازمان های مربوط به انتخابات ریاست جمهوری تلاش می کنند رأی دهندگان را به بخش های کوچک تری تقسیم کنند

و سپس نظر این گروه های رأی دهنده را در هم ادغام می کنند. این روش، افراد ملت را برحسب حزب، ایالت، منطقه، و غیره تفکیک می کند. چنین ادعا می شود که هر دوره انتخاباتی، تفرقه افکنانه ترین، سرسخت ترین و منفی ترین مبارزات بوده است. بسیاری از صاحب نظران به این نتیجه رسیده اند که کشور بیش از پیش به دو قطب تقسیم شده است.

اصول پذیرفته شده دموکراسی تحت فشار واقعی قرار می گیرد. وابستگی ها، گله ها، و پیشداوری های کهنه، بار دیگر ظهور می کنند. شور و حرارت، شدت می یابد. و بالاخره، همه نامزدها به غیر از یکی از آنان، و تقریبا نیمی از رأی دهندگان مأیوس و دل شکسته می شوند، امیدهایشان نقش بر آب، و تصوراتشان واهی می گردد. چنین اتفاقی زمانی رخ می دهد که همه چیز به خوبی پیش رود.

شبیه بیان در نطق های پس از انتخابات، به معنای مداوای جراحات و درمان صدماتی است که هر دو حزب متحمل شده اند. فقط نامزد مغلوب است که می تواند شکست خود را تأیید، و پیروزی فرد برنده را اعلام کند، مردم را به وحدت ملی فراخواند، و بخواهد که از نامزدی که ماه ها با او مبارزه کرده، حمایت کنند. این اقدام به منزله گذشتن از آرزوها و بلندپروازی های شخصی، با فراخوان وحدت ملی، سرسپاری مجدد به حزب و اطمینان از آینده ای روشن تر برای پیروزی های بعدی توجیه می شود. به همین ترتیب بود که در سال ۲۰۰۴، جان کری درباره "خطر تفرقه در کشور ما و نیاز - نیاز مبرم - به وحدت، برای یافتن فصل مشترک و جمع شدن دور هم" با حامیان وفادارش سخن گفت. امیدوارم امروز روند خاتمه دادن به اختلافات آغاز شود... ما اکنون باید به خاطر کشورمان با یک دیگر همکاری کنیم. در روز های آینده باید به دنبال آرمانی مشترک باشیم. و باید بدون پشیمانی یا تهمت متقابل، بدون خشم یا قهر، تلاش هایمان را یک سو کنیم.

چهار سال بعد از آن، جان مک کین همین موضوع را در سخنانش تداعی کرد: "سناتور اوپاما و من اختلاف نظر هایی داشته ایم و درباره آن بحث کرده ایم، و او پیروز شد... از همه آمریکایی هایی که از من حمایت کرده اند، مصرانه درخواست می کنم که نه تنها همراه ما به من به او تیریک بگویند، بلکه اراده، جدیت، و تلاش خود را برای یافتن راه های همکاری و مصالحه، جهت غالب شدن بر اختلافات و کمک به ترقی و رفاه کشور، دفاع از امنیت ملی در جهانی پر مخاطره، و باقی گذاشتن کشوری قوی تر و بهتر از آن چه به ما رسیده، برای فرزندان و نوه هایمان به کارگیرند و آن را در اختیار رئیس جمهوری آینده کشور قرار دهند. اختلافات ما هر چه باشد، ما همه آمریکایی هستیم."

## مراسم رسمی انتقال قدرت

رسم پذیرفتن شکست و تقاضا برای اتحاد و همکاری، در ایالات متحده با سنت دیرین انتخابات رقابتی آن، به خوبی تثبیت شده است. اما چنین رسمی، با درجات شدید تر یا ضعیف تر، در سایر کشورهای دموکرات نیز وجود دارد. ویژگی های آن در

انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۵ بریتانیا نیز نمایان بود. بی بی سی گزارش داد که مایکل هورد، رهبر حزب محافظه کار، با گفتن این عبارات قاطع، شکست خود را پذیرفت: گویا آقای بلر، برنده سومین دوره نخست وزیری برای حزب کارگر شده است، و من برای این پیروزی به او تبریک می گویم. زمان آن فرارسیده که به وعده هایی که برای ملت و مملکت بسیار اهمیت دارند، وفا کند.... وقتی این کار را کرد، از حمایت من برخوردار خواهد شد.“

مفاهیم دموکراسی در نطق سگولن روایال، بعد از انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۷ فرانسه، روشن تر بیان می شوند: “دوستان، هموطنان... نتیجه آرای همگانی اعلام شد، و امیدوارم که رئیس جمهوری تازه کشور ما موریت خود را با موفقیت به پایان برساند، و از صمیم قلب از ۱۷ میلیون تن سپاسگزاری می کنم.... من نهایت تلاش خود را کردم، و به این تلاش ادامه خواهم داد... می خواهم از همه مردمی که مبارزه کردند، تشکر کنم، بیابید قدر انرژی و شادی را بدانیم... انتخابات، دموکراسی را احیا کرده است... هر آن چه با یک دیگر آغاز کرده ایم، به اتفاق هم به پیش می بریم.“

سخنرانی های بعد از انتخابات در آمریکای جنوبی، آفریقا، آسیا، اروپا و استرالیا هم ایراد می شود، اما به ندرت حاوی تعارفات رسمی بوده و به اندازه انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا از معیارهای رسانه ای برخوردار نیستند. این امر خصوصا در کشورهای صادق است که یا دارای احزاب متعدد هستند و یا نظام پارلمانی آن ها به صورتی است که برای تشکیل اکثریت در دولت، به ائتلاف چند حزب نیاز است. انتقال آرام و منظم قدرت از حزبی به حزب دیگر را نمی توان امر مسلمی فرض کرد. این کار نیاز به معیار قانونی و اعتماد عمیق بر مبنای تجربه عملی دارد که حاکی از منصفانه بودن انتخابات باشد. در دموکراسی های نوظهور یا در حال توسعه، به ویژه آن هایی که دچار تفرقه های فرهنگی هستند، فقدان تجربه در فرایند انتخابات یا عدم اعتماد به آن، چالش واقعی محسوب می شود. رژیم هایی که به دنبال کودتا، کودتای صلح آمیز یا غیر آن، استقرار پیدا می کنند، حقانیت دموکراتیک خود را در برتری در انتخابات می یابند حتی اگر به زور اسلحه به پیروزی رسیده باشند. در چنین مواردی، رهبران احزاب به جای تسلیم شدن برابر شکست خود، به نتیجه انتخابات اعتراض می کنند و ادعای تقلب در شمارش آرا، سانسور، و ارباب و خشونت را دارند. آن ها احتمالا از حامیان خود می خواهند که مقاومت و مبارزه کنند و خود را به کشتن دهند. برای کشوری که قصد بنا کردن نهادهای دموکراتیک و تحکیم آن را دارد، چالشی که رهبران رقیب با آن روبرو هستند، قبول شکست به عنوان پلی فراتر از جاه طلبی های فردی و منافع حزبی است.

نقش رسم سخنرانی های پس از انتخابات، بیشتر از فقط عامل درمان کننده است. تبادل رسمی احترامات، شاید نشانه هایی به جای مانده از دورانی با وقار و کمتر منفعت طلبانه تعبیر شود، اما واقعیت این است که شرکت کنندگان در آن، نمایش سیاسی کلاسیکی را دوباره به روی صحنه می برند. بعد از مبارزه ای دشوار، این گونه سخنرانی ها بیانگر مفاهیم بسیار انزاعی

هستند: “شیوه کارکرد دموکراسی“ و “صدای مردم“. افرادی که مخالف سرسخت یک دیگر بوده اند، در ردیف سایر شهروندان قرار می گیرند، بار دیگر با یک دیگر متحد و نسبت به ارزش ها دوباره متحد می شوند، چنان که از رقابت های قبلی فراتر می رود.

آیین مربوط به تسلیم در برابر شکست و اعلام پیروزی، که به طور فراگیری توسط رسانه ها پخش می شود، تطهیرکننده مرحله پایانی انتخابات است. با شمارش آرا از سوی مسئولان مربوط، خبرنگاران نتایج را به روی اینترنت تحلیل، و درمورد آن گمانه زنی می کنند: بازنده مسلم چه موقع نطق بعد از انتخابات خود را ایراد خواهد کرد؟ آیا نامزد بازنده ممکن است جشن های شب پیروزی انتخابات را برای فرد برنده جایزندانند؟ و آیا نامزد بازنده دستخوش تلخی و عصبانیت می شود و یا در لحظه ناامیدی “با لطف و محبت“ جلوه خواهد کرد؟ این مراسم شکست، به معنای انتقال نمادین قدرت است. این سخنرانی ها، در طول زمان و در چهارچوب رسانه هایی که دارای قدرت فزاینده ای هستند، مبدل به اقدامات دموکراتیک تثبیت شده گشته اند که ما را هر چه بیشتر با چگونگی نهادینه شدن حاکمیت ملی و تحکیم نمادین آن آشنا می کند.

*آراء بیان شده در این مقاله ضرورتا منعکس کننده دیدگاه ها یا سیاست های دولت آمریکا نیست.*

# جامعه مدنی، دموکراسی، و انتخابات

بروس گیلی



© AP Images

آزادی تظاهرات: دانشجویان اندونزی مترسک سوهارتو، رئیس جمهوری سابق را به آتش می کشند. آنها علیه بر طرف شدن اتهام رئیس جمهوری سابق به فساد اعتراض کردند.

کشورهایی که امید به تحقق دموکراسی در آن ها وجود دارد، نشان داده که جامعه مدنی و دموکراسی، یک دیگر را به طور متقابل تقویت می کنند.

## اندونزی

بعد از سقوط سوهارتو، دیکتاتور دیرین اندونزی در سال ۱۹۹۸، این کشور چهار دوره انتخابات صلح آمیز را تجربه کرده است - در سال های ۱۹۹۹، ۲۰۰۱، ۲۰۰۴، و ۲۰۰۹. دستاوردهای دموکراتیک در این دوران، چشمگیر بوده است. رتبه این کشور در درجه بندی سیاسی و مدنی سال ۱۹۹۷ خانه آزادی (Freedom House)، ۶ بوده است (نسبت به ۷ که پایین ترین رتبه است)، این کشور در سال ۲۰۰۹، و با پیوستن به صف کشورهای نسبتاً دموکرات لیبرال، رتبه ۲/۵ را کسب کرد. علی رغم واهمه از جنگ و تفرقه های سیاسی، جامعه مدنی فعال و متشکل این کشور موجب شده که اندونزی به اردوی کشورهای دموکراتیک، با همان خواسته ها و معیارها بپیوندد.

بروس گیلی، استادیار علوم سیاسی در مدرسه دولت هتفیلد دانشگاه ایالتی پورتلند واقع در پورتلند، اورگان است. کار او در مورد امور دموکراسی، مشروعیت، و سیاست جهانی به ویژه در آسیا متمرکز است. از جمله آثار او عبارتند از حق حکومت: چگونه کشورها مشروعیت کسب می کنند و آن را از دست می دهند (۲۰۰۹) و آینده دموکراتیک چین (۲۰۰۴). او عضو هیئت تحریریه نشریه دموکراسی نیز است.

توانمندی دموکراسی های سالم، در گرو جوامع مدنی پر قدرت است. با تضمین انتخابات عادلانه و پایبند کردن برندگان انتخابات به حکومتداری خوب، آن ها می توانند شرایط سیاسی مناسبی را برای شکوفایی دموکراسی ایجاد کنند. در سال های اخیر نشان داده شده که انتخابات به تنهایی، متضمن حکومت دموکراتیک نیست. در کشورهایی که انتخابات عادلانه برگزار می شود و برندگان آن باید پاسخگوی استاندارد حکومتداری خوب باشند، امتیازی مشترک وجود دارد: نهادهای قدرتمند جامعه مدنی. مطالعه درباره دموکراسی های واقعی و





© AP Images/Anita Powell

طی انتخابات محلی و پارلمانی سال ۲۰۰۸، شهروندان اتیوپی دربارهٔ چگونگی برگزاری روند انتخاباتی آموزش می‌بینند.

بود. طی انتخابات، سازمان‌های جامعهٔ مدنی مانند سازمان توسعهٔ فافن، و کنگرهٔ دموکراسی ویزن اتیوپیبه ارائهٔ آموزش‌های مدنی برای شهروندان پرداختند و ناظران انتخاباتی تعیین کردند. رژیم کوشش کرد از کنار نتایج انتخابات رد شود. و به دنبال آن اعتراضات و سرکوب در آدیسا، پایتخت اتیوپی آغاز شد. سازمان‌های جامعهٔ مدنی در جبههٔ مشترکی گردآمدند و طبق پیمانی که در ماه مه سال ۲۰۰۶ بسته شد، رژیم را مجبور به پذیرش نتایج واقعی انتخابات کردند. آن دسته از رهبران جامعهٔ مدنی که بازداشت شده بودند نیز آزاد گشتند.

از آن زمان، گروه‌های جامعهٔ مدنی برای محترم داشتن اپوزیسیون، و حکومت مبتنی بر توافق و نه زور، به EPRDF فشار می‌آورند. پاسخگو بودن معنای تازه‌ای یافته است. در سال ۲۰۰۷، در واکنش به نگرانی بزرگ گروه‌های حامی جامعهٔ مدنی، نخست‌وزیر سابق و وزیر دفاع سابق متهم به جرایم مربوط به فساد شده و متعاقب آن محکوم گشتند. در این ضمن و در سال ۲۰۰۸، پارلمان اتیوپی که به لطف کوشش‌های جامعهٔ مدنی اکنون اعضای متعلق به احزاب مختلف سیاسی و دارای بینش‌های متفاوت را هم دربر می‌گیرد قانون تازه‌ای برای مطبوعات وضع کرد. طبق این قانون، اعمال سانسور دولتی بر رسانه‌های خصوصی و بازداشت خبرنگاران و روزنامه‌نویسان ممنوع اعلام شد – این نمونه‌ای است از چگونگی تقویت متقابل

گروه‌هایی مانند انجمن دموکراسی، انجمن رؤسای دانشگاه‌ها، و شبکهٔ انتخابات آزاد و عادلانهٔ دانشگاه، متضمن برگزاری انتخابات عادلانه شدند. سایر نهادهای جامعهٔ مدنی اندونزی نیز سیاستمداران را وادار به رعایت قواعد بازی، وفا به وعده‌های خود، و پاسخگو بودن در برابر رأی‌دهندگان در نوبت‌های میان انتخابات کردند.

دکتر هادی سوزاسترو، مدیر اجرایی مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی واقع در جاکارتا، در سال ۲۰۰۱ و خطاب به شنوندگان آمریکایی اظهار داشت که دموکراسی تازهٔ کشورش هنوز بسیار ضربه پذیر است و بزرگ‌ترین خطر، رویارویی با فرایند عکس‌ان است. او گفت جامعهٔ مدنی در اندونزی وظیفهٔ اصلی خود را ممانعت از این پس‌عکس می‌داند. این امر اولین نخستین ما است. نه سال بعد از آن، جامعهٔ مدنی اعلام کرد که مأموریت خود را به انجام رسانده است. هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه، در فوریهٔ ۲۰۰۹ در جاکارتا، برای ایجاد کشوری اهل‌مدارا و دموکراتیک که حقوق شهروندان را محترم می‌دارد، به رهبران جامعهٔ مدنی تبریک گفت. او اظهار داشت، طی سفرهای سال آینده، به مردم خواهیم گفت اگر می‌خواهید همزیستی اسلام، دموکراسی، پیشرفت، و حقوق زنان را ببینید، به اندونزی بروید.

کاملاً بدیهی است که لازمهٔ دموکراسی سالم، تنها برگزار شدن انتخابات نیست. به همین جهت است که کمک به ارتقای دموکراسی بر فعالیت‌های دیگری تأکید دارد – از حمایت از جامعهٔ مدنی، تا تقویت فرایندهای قانونی مؤثر. اما جنبه‌های انتخاباتی و غیر انتخاباتی دموکراسی نیز به یک دیگر وابستگی متقابل دارند: موجودیت یکی بدون دیگری ممکن نیست، و معمولاً به طور هم‌زمان شکل می‌گیرند. جامعهٔ مدنی زنده که از سوی مطبوعات آزاد و سایر سازمان‌های مستقل حمایت شود، نه تنها پشتیبان نتایج انتخابات است، بلکه در قالب پاسخگو بودن دولت، شفافیت، و رعایت قوانین، از اتفاقات بعد از انتخابات هم حمایت می‌کند. باراک اوباما، رئیس‌جمهوری آمریکا در سخنرانی‌های سال ۲۰۰۹ خود در مسکو و آکرا نقش جامعهٔ مدنی را تحولی دموکراتیک “برخاسته از عمق جامعه” خواند. او در آکرا این‌طور توضیح داد: “موضوع، فراتر از تنها برگزاری انتخابات است. بلکه مهم این است که در میان دو نوبت انتخابات چه می‌گذرد.”

### اتیوپی

در اتیوپی نیز فرایندهایی “برخاسته از عمق جامعه” برای تحکیم دموکراسی شکل گرفته است. در این کشور در سال ۲۰۰۵ انتخابات ملی رقابتی واقعی با کمک سازمان‌های جامعهٔ مدنی اتیوپی، که پیش از این بیشتر تلاش‌هایشان در زمینه توسعه و امداد بود، برگزار شد. احزاب مخالف از ۵۴۷ کرسی مجلس قانونگذاری، ۱۷۳ کرسی را به خود اختصاص دادند، حال آن‌که این تعداد قبلاً ۹ کرسی بوده است؛ این اولین لطمهٔ جدی به جبههٔ دموکراتیک خلق انقلابی اتیوپی (EPRDF) و سلطهٔ ده‌سالهٔ آن

میان جامعه مدنی و انتخابات رقابتی. همان طور که پرزیدنت اوباما در سخنرانی آکرا اشاره کرد: در سراسر آفریقا ما شاهد نمونه های زیاد از مردمی بوده ایم که سرنوشت خود را به دست گرفته اند و تغییراتی "برخاسته از عمق جامعه" ایجاد کرده اند.

### نمونه های دیگر

بین سال های ۱۹۹۸ و ۲۰۰۴، پنج کشور که قبلا در زمره کشورهای کمونیستی بودند - گرجستان، اوکراین، اسلواکی، کرواسی، و صربستان - "انقلاب های دموکراتیک" موفقی را تجربه کردند. جامعه مدنی در هر یک از این کشورها نقش مشابهی ایفا کرد. تحرک اولیه جامعه مدنی، ناشی از تمایل مردم به برگزاری انتخابات عادلانه و پاک بود. "جنبش های انتخابات آزاد" که به جامعه مدنی انرژی می بخشید و آن را به سوی عملکرد علنی سیاسی رهنمون می شود، در سراسر جهان و هنگامی که کشورها برای گذار به دموکراسی مبارزه می کنند، دیده می شوند. نمونه های اخیر آن عبارتند از فیلیپین، غنا، ایران و کنیا.

### پس از انتخابات

بعد از برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه، جامعه مدنی به سوی فعالیت های کمتر هیجان انگیز و کم سر و صداتر اما مهم تر برای حکومتداری خوب باز می گردد. جامعه مدنی برای الغای قوانین ظالمانه، افشای فساد، و تضمین حضور همه گروه ها، صاحبان منافع، و اندیشه ها در صحنه، وارد مبارزه ای هر روزه می شود. جامعه مدنی می کوشد دولت را وادار به پاسخگویی کند و اطمینان حاصل نماید که مقامات، قواعد بازی را رعایت می کنند.

پرزیدنت اوباما در سخنرانی سال ۲۰۰۹ قاهره گفت: شما باید قدرت خود را از طریق توافق حفظ کنید، نه اجبار؛ باید به حقوق اقلیت ها احترام بگذارید و با روحیه مدارا و مصالحه مشارکت کنید؛ شما باید منافع مردم خود و فعالیت مشروع سیاسی را مقدم بر حزب خود قرار دهید. بدون این شرایط، صرف انتخابات موجد دموکراسی واقعی نیست.

سوزان رز اکرم، استاد دانشگاه بیل، در کتاب سال ۲۰۰۵ خود موسوم به از انتخابات تا دموکراسی که برنده جایزه هم شد عواملی را به عنوان تضمین کننده پاسخگویی در سیاستگذاری نام برده است. او نتیجه گیری می کند که تنها جامعه مدنی سرزنده توانایی تحکیم دموکراسی را دارد. او گفته است، ایجاد نهادهایی که بتوانند مجرای مشارکت مردم و گروه ها در سیاستگذاری باشند، باید در صدر دستور کار کشورهای سوسیالیست سابق و کشور های دموکرات در سراسر جهان قرار گیرد.

### فقدان جامعه مدنی

در سال های اخیر، نمونه هایی از کشورهایی وجود داشته اند که بدون وجود جامعه مدنی فعال، انتخاباتی را برگزار کرده

اند. دانش پژوهان، کشورهایی را که انتخابات نیمه رقابتی را برگزار کرده و دارای جوامع مدنی ضعیف یا توسعه نیافته ای هستند که قادر به تضمین پاسخگویی دولت نیستند، با القابی چون "دموکراسی بی خاصیت"، "دموکراسی کنترل شده"، دموکراسی غیر لیبرال"، و یا "خودکامگی رقابتی" می خوانند. این امر را می توان به وضوح در کشورهای کمونیست سابق مشاهده کرد که در آن ها انقلاب های دموکراتیک با شکست روبرو بوده اند- مانند بلاروس (۲۰۰۵) و قرقیزستان (۲۰۰۸). جامعه مدنی در این کشورها وابستگی زیادی به اهدا کنندگان داشته و فراتر از پایتخت کشور، توسعه چندانی نیافته است. در نتیجه هنگامی که فعالان جامعه مدنی در این کشورها برای "جنبش انتخابات آزاد" به پا می خیزند، کسی از آن ها پیروی نمی کند. کشورهای دیگری که در آن، جامعه مدنی متزلزل و ضعیف مایه حمایت از تحکیم وضعیت خودکامگان منتخب بوده، عبارتند از مالزی، روسیه، و کامبوج.

در ونزوئلا، بر عکس، جامعه مدنی زنده و جوشنده نتوانسته لیبرال دموکراسی دهه ۱۹۹۰ را حفظ کند. ونزوئلا مانند زیمبابوه، یادآور این موضوع است که گاهی نیروهای "برخاسته از عمق جامعه" کافی نیستند: برای حمایت از دموکراسی به فشارهای بین المللی، نهادهای دولتی، مانند قوه قضاییه و هیئت های انتخاباتی، و تصمیم نخبگان سیاسی نیاز است. و البته گاهی هم انتخابات تنها برای ایجاد حرکت اجتماعی جهت پیروزی در مبارزه، کافی است.

خوشبختانه، آزادی سیاسی شتاب و حرکت خود را دارد. وقتی جامعه مدنی به آزادی دست می یابد، مشکل می توان آن را مهار کرد. پرزیدنت اوباما و خانم کلینتون در طول دوران انتخابات و پس از آن، به درستی بر اهمیت جامعه مدنی در تحکیم دموکراسی تأکید داشته اند. هر دوی آن ها هدفشان تقویت جامعه مدنی و دموکراسی در آمریکا است. پرزیدنت اوباما نمونه مجسم چنین تلاشی است- رهبر کشور ما، که خود مسئول تشکیل های محلی بوده است، با ارتباط مبتنی بر همزیستی جامعه مدنی و دموکراسی واقعی عمیقا آشنایی دارد.

*آراء بیان شده در این مقاله ضرورتا منعکس کننده دیدگاه ها یا سیاست های دولت آمریکا نیست.*



# انتقال قدرت ریاست جمهوری در سال ۲۰۰۸-۲۰۰۹: همکاری موفقیت آمیز

مارتا جوینت کومار



© AP Images/Evan Vucci

کمتر از یک هفته پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۸، پرزیدنت جورج دبلیو بوش، و باراک اوباما، رئیس جمهوری منتخب، در پی یک نشست خصوصی در دفتر ریاست جمهوری هستند.

رئیس جمهوری منتخب قبل از روی کار آمدن است، به ویژه در مورد انتصاب افراد. انتقال قدرت از جورج دبلیو بوش به باراک اوباما در سال ۲۰۰۸-۲۰۰۹ از بی دردسرتترین موارد در این زمینه بوده است. حتی قبل از انتخابات هم دو طرف، مرحله سازنده ای را برای انتقال قدرت مد نظر قرار داده بودند. از جنبه های مثبت این انتقال، مربوط به توانایی دولت اوباما در دستیابی به تعدادی از اهداف خود طی اولین روزهای کارش بود. در فرصت ۷۵ روزه میان انتخابات و مراسم تحلیف، رئیس جمهوری تازه اولویت های سیاست خود را تعیین می کند. قبل از این که او بتواند در مورد طرح هایش دست به اقدامی بزند باید تکلیف برخی از مسائل روشن شود:

- اطلاعات مورد نیاز برای تصمیم گیری های رئیس جمهوری؛
- تعیین کارمندان ارشد کاخ سفید و وظایف هر یک از آن ها؛

مارتا جوینت کومار، استاد علوم سیاسی دانشگاه تاونسون واقع در تاونسون، مریلند، کارشناس امور ریاست جمهوری در آمریکا است. کتاب او، پیشبرد پیام رئیس جمهوری: عملیات ارتباطی کاخ سفید (۲۰۰۷)، برنده جایزه سال ۲۰۰۸ ریچارد ای نیوستات شد. از جمله دیگر آثار او توصیف رئیس جمهوری: کاخ سفید و رسانه های خبری (۱۹۸۱) است. او هم اکنون ریاست طرح مستقل انتقال قدرت در کاخ سفید را بر عهده دارد.

دولت هایی که در حال رفتن و آمدن بودند، چندین ماه طولانی را به تدارکات اختصاص دادند، و همین امر موجب شد انتقال قدرت از جورج دبلیو بوش به باراک اوباما از جمله مسالمت آمیزترین موارد انتقال قدرت ریاست جمهوری در آمریکا باشد.

از سال ۱۹۵۲، رؤسای جمهوری وقت، اطلاعات مربوط به قوه مجریه را گردآوری کرده و به جانشین خود تحویل داده اند. مبادرت به این اقدام، به دلیل تصمیم گیری های مهم

- برنامه ای برای تعیین اولویت ها و گزینش کارکنان کاخ سفید و مقامات عالی رتبه ۱۵ وزارت خانه وابسته به قوه مجریه.

با روشن شدن این موارد، پرزیدنت باراک اوباما در ۱۰ روز اول کار خود موفق به امضای نه حکم اجرایی و نه یادداشت گردید که طیف وسیعی از موضوعات متنوع را در برمی گرفت. کمی بعد از آن، او قوانین مربوط به دستمزد برابر، بیمه درمانی کودکان، و برنامه مشوق های اقتصادی را امضا، و به این ترتیب، به وعده های انتخاباتی خود عمل کرد.

سه پیشامد موجب توانمندی پرزیدنت اوباما در آغاز کارش گردید. اول این که پرزیدنت بوش شخصا متعهد به انتقال قدرت موفق و زودهنگام بود. در اواخر سال ۲۰۰۷، مدت ها قبل از انتخابات، بوش، به جاشوا بولتن، رئیس دفتر کاخ سفید، مسئولیت انتقال قدرت مؤثر را محول کرد. دوم این که، در اوایل سال ۲۰۰۸ در حالی که مدت زیادی به انتخابات مانده بود، باراک اوباما افراد شایسته و کاردانی را به برنامه ریزی برای انتقال قدرت گماشت. و بالاخره این که، بعد از حملات ۱۱ سپتامبر، کلیه بخش های دولت فدرال نسبت به تهدید عملیات دولت حساس بودند و آمادگی می یافتند تا انتقال قدرت مجریه به بهترین وجه ممکن صورت گیرد. به سفارش پرزیدنت بوش، کنگره قوانینی مربوط به نیاز رئیس جمهوری تازه به اطلاعات امنیت ملی را تصویب کرد.

### برنامه ریزی زودهنگام انتقال قدرت توسط مقامات دولت بوش

در حالی که بسیاری از رؤسای جمهوری در ماه های آخر دوره کاری خود به آماده سازی برای انتقال می اندیشیدند، جورج دبلیو بوش از یک سال قبل، این کار را آغاز کرد.

جاشوا بولتن به خاطر دارد که پرزیدنت بوش در سال ۲۰۰۷ به او دستور داد "اطمینان حاصل کند که انتقال قدرت تا جای ممکن به طور شایسته انجام گیرد، خصوصا در زمینه امنیت ملی." آغاز زود هنگام کار، به دولت فرصت کافی داد تا بعد از انتخابات مقدماتی و قبل از انتخابات عمومی، با نمایندگان مبارزات انتخاباتی تماس برقرار کند.

با وجود ۱۵ وزارتخانه و ۷۰۰۰ جایگاه شغلی - از جمله ۱۲۰۰ سمت مهم که نیاز به تأیید سنا دارد - رئیس جمهوری منتخب به اطلاعات زیادی در مورد این مشاغل، طرز کار وزارت خانه های مختلف، و وضعیت طرح های سیاسی معین نیاز دارد. در اواسط بهار سال ۲۰۰۸، مقامات دولت بوش شروع به جمع آوری این اطلاعات برای کسی که قرار بود در انتخابات پیروز شود، کردند.

هماهنگی میان ادارات وابسته به قوه مجریه و مقامات مربوطه، از رموز انتقال قدرت موفق است. در جلسه بهار شورای مدیریت رئیس جمهوری (PMC)، یعنی مجموعه ۲۲ اداره اصلی دولتی، کلی جانسون، رئیس این شورا، درباره انتقال قدرت با نمایندگان این سازمان ها صحبت کرد. این سازمان ها برای تعیین اولویت ها و الگوی کاری خود با یک دیگر همکاری

کردند. جانسون از کارمندان این سازمان ها خواست که در کار خود بر اولویت ها تأکید داشته باشند، "نه مسائل داغ و بحث برانگیز، بلکه مسائلی که در اولویت قرار دارند، یا فعالیت های معینی که گروه رهبری تازه باید با آن روبرو شود..."

پرزیدنت بوش در زمینه امنیت ملی، شخصا به بررسی ۴۰ یادداشت پرداخت که تحت مدیریت استفن هدلی، مشاور امنیت ملی تهیه شده بود تا به رئیس جمهوری تازه و گروهش در مورد آشنایی با مسائل مهم و وضعیت کشورها در سراسر جهان، کمک کند. هدلی ۱۷ طرح احتیاطی هم آماده کرده بود. او توضیح داد، در صورت بروز وخیم ترین شرایط، پاسخ های آن وجود دارد. طرح های احتیاطی، عملیات مداومی بود و جاشوا بولتن اظهار داشت که رفتن قریب الوقوع ما... کمک کرد دقت کنیم تا تکلیف این امور، قبل از انتقال قدرت روشن شود.

### فرایند انتقال قدرت به باراک اوباما، رئیس جمهوری منتخب

باراک اوباما برای سازمان دادن به مرحله انتقال قدرت، از فرد با تجربه ای در واشنگتن، به نام جان پودستا استفاده کرد. پودستا در زمان دولت کلینتون به عنوان رئیس دفتر کاخ سفید خدمت کرده بود. هر چند که پودستا اوباما را خوب می شناخت، اما با او نزدیک نبود و تمایلی به کار در دولت او نداشت. این مسئله اهمیت داشت زیرا همه می دانستند که پودستا در پی یافتن کاری برای خودش نبود. کریس لو، مدیر اجرایی برنامه های انتقال اوباما، خاطر نشان کرد که آنها باید به کسانی اتکا می کردند که نقشه ای برای اشتغال در دولت جدید نداشتند. لو گفت، نمی خواهیم افرادی با دوز و کلک وارد کار شوند - این درسی بود از تجارب مرتبط با کسانی که در دولت های قبلی کار می کردند.

پودستا شرح داد که گروه های مشاور چگونه نیاز مسئولان دولت به اطلاعات عملی و قابل فهم را تأمین می کنند: می شد برنامه، سازمان، و یا بودجه ای را در نظر گرفت [وگفت] این ها چالش هایی هستند که باید با آن روبرو شویم، چگونه می توان وارد کار شد و نتایجی را کسب کرد که اوباما طی فعالیت های انتخاباتی و در زمان انتقال قدرت و اوایل روی کار آمدنش قول آن را داده بود؟ پودستا ادامه داد، وزرای کابینه و کارمندان کاخ سفید برنامه ای راهبردی دریافت کردند که بسیار قابل فهم بود. طی گفتگو با وزرای جدید، آن ها از این که به جای دریافت ۵۰۰۰ صفحه مهملائی که در گذشته توزیع می شد، فقط یادداشتی ۳۰ صفحه ای با نثر قابل فهم و تصحیح شده گرفتند، بسیار قدردانی کردند. این ها از انواع اطلاعات و ارزشیابی هایی است که مسئولان تازه هنگامی که در سمت های خود شروع به کار می کنند به آن نیاز دارند.

### پیش بینی برای انتقال بعد از ۱۱ سپتامبر

سومین اصل تشکیل دهنده انتقال قدرت در سال های ۲۰۰۹-۲۰۰۸، توافق کلی در مورد موضوع امنیت ملی بود که این انتقال باید به بهترین وجه ممکن صورت می گرفت. دولت برای

این فرایند مشارکت کرد. چالش های امنیتی بعد از ۱۱ سپتامبر بر نیاز به انتقال قدرت منظم و آرام، تأکید داشت. رؤسای جمهوری امروز آمریکا نمی توانند کارهای تدارکاتی را به بعد از انتخابات موکول کنند. کنگره، پرزیدنت بوش، و مقامات مسئول سیاسی و اداری در وزارت خانه ها و ادارات دولتی، با وضع قوانین و مدیریت اجرایی، و تلاش های شخصی، در آماده سازی رئیس جمهوری آینده و گروه او جهت قبول مسئولیت های حکومتی، سخت کوشیدند.



باب گراهام، سناتور سابق فلوریدا(چپ)، و جیم تالنت، سناتور سابق میسوری، مدیران کمیسیون پیشگیری از گسترش سلاح های کشتار جمعی و تروریسم، طی جلسه ای که در ۳ دسامبر ۲۰۰۸ در مرکز انتقال ریاست جمهوری در واشنگتن دی. سی. برگزار شد، اطلاعات لازم را در اختیار جو بایدن، معاون رئیس جمهوری منتخب و جانت ناپولیتانو، وزیر برگزیده شده برای امنیت کشور قرار می دهند.

آراء بیان شده در این مقاله ضرورتاً منعکس کننده دیدگاه ها یا سیاست های دولت آمریکا نیست.

ارتقای فضای عملکرد امنیت ملی و تهیه و جمع آوری اطلاعات درباره تهدیدات امنیتی برای رویارویی با بروز هر نوع بحران احتمالی، توصیه های کمیته ملی مقابله با حملات تروریستی علیه آمریکا (کمیسیون ۱۱ سپتامبر) را به کار بست. بسیاری معتقد بودند که روند کند ایجاد فضای چنین عملکردی، موجب شده بود انتصاب مسئولان مربوطه در دولت های قبلی با تأخیر صورت گیرد.

برای تسریع روند معرفی کارکنان قوه مجریه، کنگره فرصتی زود هنگام در نظر گرفت و گروه بوش تحقیقات پیش از موعد مربوط به بررسی مسائل مربوط به امنیت ملی برای انتقال قدرت به افراد مهم را تسهیل بخشید. پرزیدنت بوش و مقام های رسمی از طرف او به منظور آماده ساختن اوپاما، رئیس جمهوری منتخب، برای رویارویی با بحران، نشست آموزش مقابله با بحران را یک هفته قبل از آغاز به کار او در ۱۳ ژانویه ۲۰۰۹ در کاخ سفید تشکیل داد. این فرصت ارزشمندی برای مقامات مسئول تازه بود که بتوانند به طور مستقیم با مسئولان قبلی درباره پاسخگویی به بحران، به بحث بنشینند.

### نتیجه گیری

انتقال قدرت ریاست جمهوری در سال ۲۰۰۹-۲۰۰۸، نشان دهنده محاسن دستور رئیس جمهوری مبنی بر تدارک زود هنگام مقدمات انتقال قدرت است. به دستور پرزیدنت بوش، جاشوا بولتن، رئیس دفتر کاخ سفید، با تلاش های گسترده دولتی موظف به تعیین و برآوردن نیاز های دولت تازه شد. باراک اوپاما با تعیین روش زود هنگام جهت انتقال قدرت، و انتصاب چهره ای بی طرف به عنوان مدیر مرحله انتقال، در

## به اجرا گذاردن خواست مردم



فردریک ویلم دو کلرک، رئیس جمهوری آفریقای جنوبی (چپ) و نلسون ماندلا، معاون رئیس جمهوری کنگره ملی آفریقا، پیش از آغاز گفتگوها میان کنگره ملی آفریقا و دولت آفریقای جنوبی در دوم مه ۱۹۹۰ در کیپ تاون.

فردریک ویلم دو کلرک و نلسون ماندلا احتمالاً به دشوارترین انتقال مسالمت آمیز قدرت سیاسی در عصر حاضر تحقق بخشیدند. دو کلرک درست پیش از آغاز کار به عنوان رئیس جمهوری رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی که در آن میان سیاه پوستان و سفیدپوستان تبعیض نژادی اعمال می شد، ماندلا را که در آن زمان ۷۱ ساله بود و سه دهه از زندگی خود را در زندان سپری کرده بود، آزاد کرد. طبق مذاکرات بعدی، سیاه پوستان آفریقای جنوبی اطمینان حاصل کردند که می توانند در انتخابات آزاد و عادلانه شرکت کرده و به قدرت برسند و به سفید پوستان هم ضمانت برخورداری از حمایت قوانین دموکراتیک حتی بعد از سپردن قدرت به دست مردمی که مورد ظلم آن ها قرار گرفته بودند، داده شد.

واتسلاو هاول، دگراندیش چک در ۸ دسامبر ۱۹۸۹ در میز گردی متشکل از نمایندگان احزاب سیاسی و گروه های اپوزیسیون درباره تشکیل دولت جدید صحبت می کند. "انقلاب مخملی" سال ۱۹۸۹- سرنگونی غیر خشونت آمیز رژیم کمونیست در چکسلواکی- از سوی گروه های دگراندیش که رساله های دست نوشته (سامیزدات) علیه رژیم را به طور زیرزمینی منتشر می کردند، رهبری می شد. هاول که سال ها به دست کمونیست ها به زندان افتاده بود، طی اولین انتخابات آزاد بعد از جنگ در چکسلواکی در سال ۱۹۹۰ به سمت ریاست جمهوری انتخاب شد. بعد از تجزیه صلح آمیز چکسلواکی به جمهوری چک و کشور اسلواکی در سال ۱۹۹۳، او نخستین رئیس جمهوری جمهوری چک شد.

© AP Images



واتسلاو هاول، نماینده نویس و مخالف چک، در یک میزگرد متشکل از اعضای احزاب سیاسی و گروه های مخالف درباره تشکیل یک دولت جدید بحث و گفتگو می کند- پراگ، ۸ دسامبر ۱۹۸۹.

”روزنامه نگاران غربی همیشه به ما می گفتند که شما تنها گروه کوچکی از دگراندیشان هستید که با یکدیگر نزاع می کنید، کارگران پشت شما قرار ندارند، شما از پشتیبانی میلیونی ها تن از مردم برخوردار نیستید، و به هدف خود دست نخواهید یافت و پاسخ من به آنها این بود که در یک نظام استبدادی، ما هرگز قادر به افشای آنچه شده و امکان بررسی آن وجود ندارد نیستیم. ما به نظرسنجی عمومی یا رسانه های آزاد دسترسی نداشتیم ولی می دانستیم که چیزی در وجدان ناآگاه جامعه در حال خروشیدن است. من به شکل روزافزونی احساس می کردم که دیر یا زود انفجاری روی خواهد داد؛ وضع نمی توانست برای همیشه به همان ترتیب ادامه یابد، چون شما می دیدید که چگونه همه چیز در حال از هم گسیختن است. به خوبی روشن بود که هر رویدادی می توانست به تغییری بزرگ دامن زند و تمامی اوضاع مانند یک گلوله برفی به یک بهمن تبدیل شود.“

واتسلاو هاول، در گفتگو پیرامون شرایطی که به انقلاب مخملی انجامید، مصاحبه ای با آدام میچنیک، نشریه سالن، ۲۰۰۸.

جامعه مدنی قدرتمند تر بود: لخ والس، متخصص برق کارگاه کشتی سازی لنین واقع در گدانسک، لهستان، مؤسس مشترک جنبش همبستگی، اولین اتحادیه کارگری مستقل در بلوک شوروی در سال ۱۹۸۰ بود. با افزایش قدرت و نفوذ این اتحادیه، ارتش لهستان به فرماندهی ژنرال وژچک یاروزلسکی، حکومت نظامی اعلام کرد. با وجود این، حمایت مردم لهستان از جنبش همبستگی موجب شد که این جنبش به عنوان یک نهضت اجتماعی مسالمت آمیز زنده بماند. در این جا والس (راست)، رهبر جنبش همبستگی قبل از انتخابات نیمه آزاد که رژیم در سال ۱۹۸۹ برگزار کرد، با یاروزلسکی در ورشو ملاقات می کند. والس در سال ۱۹۹۰ به عنوان رئیس جمهوری لهستان انتخاب شد.

Image by © Witold Rozmyslawicz/lepa/Corbis



۱۰ مارس ۱۹۸۱، ورشو، استان مازوویکی، لهستان: لخ والس (راست)، رهبر جنبش همبستگی با ووجسیه جاروزلسکی، نخست وزیر لهستان ملاقات می کند.



شهروندان نپال بیانیه شاه گیانندرا را طی تظاهرات سال ۲۰۰۶ برای دموکراسی، که ۱۵۰,۰۰۰ تن از معترضان را به خیابان های کاتماندو سرازیر کرد، می خوانند. از زمان اعتصابات عمومی سال ۲۰۰۶ که به فعالان دموکراسی قدرت بخشید تا شاه گیانندرا را از قدرت ظالمانه اش خلع کنند، کشور نپال از آزادی بیشتری برخوردار شد. طبق قانون اساسی جدید، حکومت استبدادی برچیده و یک جمهوری پارلمانی تشکیل شد که راه را برای انتخابات نسبتاً آزاد سال ۲۰۰۸ هموار کرد. هر چند انتخابات دستخوش خشونت شد و خبرنگاران هنوز هم هدف حمله قرار دارند، اما پیشرفت های قابل ملاحظه ای در زمینه حکومت قانون صورت گرفت.



© AP Images/Manish Swarup

شهروندان نپال، طی راهپیمایی های دموکراتیک ۲۰۰۶ که ۱۵۰,۰۰۰ تظاهرکننده را به خیابان های کاتماندو، نپال آورد، بیانیه ای را از گیانندرا، پادشاه کشور می خوانند.



© AP Images/Marco Ugarte

گردهمایی هیئت حل اختلاف انتخابات فدرال مکزیک برای تصمیم گیری درمورد نتایج انتخابات بحث برانگیز ریاست جمهوری سال ۲۰۰۶؛ طی این انتخابات فیلیپ کالدرون، از حزب ملی اکسیون (PAN) علیه مانوئل لویز اوبرادور، از حزب دموکراتیک انقلابی (PRD) رقابت می کرد. کالدرون با اختلاف اندکی در این رقابت ها پیروز شد. لویز اوبرادور با رهبری حامیان خود در تظاهراتی صلح آمیز در مکزیکو سیتی، از بی نظمی در انتخابات شکایت کرد و خواهان شمارش مجدد آرا شد. هیئت حل اختلاف، بلندپایه ترین دادگاه برای رسیدگی به مسائل انتخاباتی مکزیک است؛ بعد از بررسی مجدد، کالدرون با کسب ۳۵,۸۹ درصد آرا (۱۵,۰۰۰,۲۸۴ رأی) در برابر ۳۵,۳۱ درصد از آرا (۱۴,۷۵۶,۳۵۰ رأی) لویز اوبرادور، برنده انتخابات اعلام شد.



دهمایی طرفداران تساخیاگین البگدورج، نامزد ریاست جمهوری مغولستان در آوریل ۲۰۰۹ در اولانباتار.



© AP Images/D. Rentsendorj

نامبارین انخبایار، رئیس جمهوری سابق (جلو سمت راست) و تساخیاگین البگدورج طی مراسم ادای سوگند در ساختمان مجلس در اولان باتور، مغولستان با یکدیگر دست می دهند.

© AP Images/Eraldo Peres



اینترنت در همه سطوح جامعه مدنی برزیل استفاده می شود. در این جا، یکی از فعالان قبیله بومی کایاپو طی یک جلسه استماع عمومی در سال ۲۰۰۹ مشغول استفاده از کامپیوتر همراه خود است. بومیان جنگل های استوایی آمازون به تصمیم دولت برزیل مبنی بر ساختن سد بزرگی روی رودخانه زینگو اعتراض می کنند.

پورتره سه رئیس جمهوری اخیر  
 غنا توسط یک هنرمند: (از چپ  
 به راست) جان آتامیلز، رئیس  
 جمهوری کنونی، جری راولینگز  
 (۱۹۹۳-۲۰۰۱)، و جان کوفور  
 (۲۰۰۹-۲۰۰۱).



© Kwaku Sakyi-Addo/Reuters/Corbis

نقاشی یک هنرمند از سه رئیس جمهوری آخر غنا: از سمت چپ، جان آتا میلز، رییس جمهوری  
 فعلی، جری راولینگز (۱۹۹۳-۲۰۰۱)، و جان کوفور (۲۰۰۱-۲۰۰۹). انتخابات پارلمانی و ریاست  
 جمهوری غنا در سال ۲۰۰۹، یک انتقال قدرت آرام و دموکراتیک در پی داشت. بعد از استقلال از بریتانیا  
 و تا انتخابات سال ۱۹۹۶، یک سلسله کودتا و تقلب های انتخاباتی بر سیاست غنا سایه افکنده بود. از آن  
 تاریخ به بعد، و به استثنای خشونت های پراکنده و مواردی بی نظمی در حوزه های رأی گیری، انتخابات  
 به نسبت آزاد و عادلانه برگزار شده است. در غنا، آزادی بیان، مذهب، اجتماعات و سایر حقوق مدنی  
 بنیادین رعایت می شود.

اوت ۲۰۰۳: کمیسیون حقیقت و  
 مصالحه پرو، گزارشی به پرزیدنت الخاندرو  
 تولدو ارائه می دهد. این کمیسیون رهبران  
 جامعه، دانشگاهیان، روزنامه نگاران، و  
 دیگران را گردآورده تا تکلیف مسئولیت  
 کشتار ها، ناپدید شدن افراد، و دیگر موارد  
 نقض حقوق بشر توسط گروه های شورشی  
 ”راه درخشان“ و جنبش انقلابی توپاک آمارو  
 و ارتش پرو، روشن گردد.



© AP Images/Martin Mejia, File



# از هربرت هوور تا فرانکلین دی. روزولت: انتقال قدرت در دوران بحران

دانلد ای. ریچی



© AP Images

۴ مارس ۱۹۳۳: هربرت هوور، ریاست جمهوری ایالات متحده، و فرانکلین دی. روزولت، ریاست جمهوری منتخب، در مقابل کاخ سفید با یکدیگر دیدار می کنند. اصلاحیه قانون اساسی که دو ماه پیش از آن به تصویب رسیده بود، تاریخ برگزاری مراسم تحلیف آینده را به روز بیستم ژانویه تغییر داد.

در برابر این چالش تاب مقاومت نیاوردند. در آلمان، جمهوری ویمار راه حکومت استبدادی نازی را هموار ساخت. هنوز دو ماه نگذشته بود که ریاست جمهوری آمریکا، از هربرت هوور به فرانکلین دی. روزولت منتقل شد. انتقال هیچ یک از قدرت های ریاست جمهوری تا آن زمان در چنین شرایط هولناکی صورت نگرفته بود. به خاطر این تجربه، دموکراسی در آمریکا مستحکم تر از قبل سربرآورد. اقتصاد آمریکا که بعد از سقوط سال ۱۹۲۹ بازار بورس، دچار رکود عمیقی شده بود در طول مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری سال ۱۹۳۲ و بعد از آن، دچار شرایط وخیم تری گردید. در زمستان بعد از انتخابات، هزاران بانک اعلام ورشکستگی کردند، شرکت های تجاری بسیاری بسته شدند، و یک چهارم نیروی کار، فاقد شغل بود. رأی دهندگان پرزیدنت هوور را به خاطر مصیبت های وارده مقصر

دانلد ای. ریچی تاریخ نگار سنای ایالات متحده و نویسنده کتاب های متعدد است، از جمله آثار تازه او به نام های انتخاب فرانکلین روزولت: فعالیت های سال ۱۹۳۲ نیویورک (۲۰۰۷)، و گزارش از واشنگتن: تاریخ هیئت های مطبوعاتی واشنگتن (۲۰۰۵) هستند.

انتقال ریاست جمهوری از هربرت هوور به فرانکلین دی. روزولت در دوران رکود اقتصادی، از دشوارترین دوره های تاریخ بود، اما این امر در کمال آرامش صورت گرفت، و درس هایی که از آن آموخته شد بر دوران انتقال قدرت رؤسای جمهوری بعدی تأثیر گذاشت. معدود رویدادهایی مانند دوران رکود اقتصادی، توانسته اند دموکراسی را عمیقاً به چالش کشند. پاره ای از دموکراسی ها

می دانستند و اکثریت قاطع آن ها به رقیب او روی آوردند. در حالی که طبق متمم قانون اساسی که در شرف تحقق بود، مدت زمان انتقال قدرت به دولت جدید قرار بود به نصف برسد، در شرایط آن زمان، این فرایند و انجام مراسم تحلیف رئیس جمهوری تازه، به چهار ماه زمان نیاز داشت.

طی این زمان طولانی، پرزیدنت هور از جانشین خود دعوت کرد به کاخ سفید برود تا درباره شرایط دشوار اقتصادی به بحث بنشینند. روزولت پذیرفت، و قبل از برگزاری مراسم تحلیف خود، سه بار با هور ملاقات کرد. با این حال، آن دو در مورد رویارویی با بحران، اختلاف نظر زیادی داشتند. هور از برخی برنامه های ابتکاری برای پاسخگویی به بحران حمایت می کرد، اما با کمک مستقیم دولت به اقتدار بیکار سرسختانه مخالف بود. فرانکلین روزولت (همان گونه که در مطبوعات از او نام برده می شد) قول "نیو دیل"، و وعده رویکردی تجربی تر جهت حل بحران اقتصادی و ایجاد جامعه ای امن تر را به مردم آمریکا داده بود. هور به مردم می گفت که مبارزات انتخاباتی، میان دو فرد در در میان نبود، بلکه بین دو نوع تفکر فلسفی دولت بود، و هشدار می داد که اتکای روزولت به راه حل های دولتی ممکن است به محدودیت های شدید منجر گردد.

در این ملاقات ها، هور کوشش می کرد روزولت را به سیاست های اقتصادی دولتی که در حال کناره گیری بود، متعهد سازد در حالی که روزولت با فعالیت علیه همان سیاست ها در انتخابات به پیروزی رسیده بود. روزولت می گفت که آمده است تا بیاموزد، نه این که با خط مشی های خاصی موافقت کند. او احساس می کرد قبل از آغاز رسمی کار خود، از اختیار کافی برای قبول مسئولیت در قبال فعالیت های دولت برخوردار نبوده است. با عمیق تر شدن بحران بانک ها، آن دو در آخرین روز کاری هور با یک دیگر ملاقات کردند.

روزولت از امضاء اعلامیه مشترک برای بسته شدن کلیه بانک های آمریکا امتناع کرد. هور می توانست این اعلامیه را با استفاده از اختیارات خود صادر کند اما از آن جا که به لحاظ

سیاسی شکست خورده بود، و به لحاظ شخصیتی هم محبوبیتی نداشت، از این کار خودداری کرد. روزولت تا روز بعد که قدرت را در دست گرفت، اقدامی نکرد. برای روزولت، اصرار هور برای دست زدن به اقدام مشترک، ناشی از عدم درک برنامه های عملیاتی متفاوت دولت جدید بود. با این حال، روزولت با ادامه کار مقامات عالی رتبه وزارت خزانه داری جهت تهیه پیش نویس قانون اضطراری بانکی برای دولت تازه، موافقت کرد. طبق این برنامه پیشنهادی، روزولت تعطیلات بانکی را اعلام کرد و همه بانک ها بسته شدند و سپس بانک هایی را که مقروض نبودند، بازگشایی کرد و به دنبال آن دولت به بررسی دقیق دفاتر حساب آن ها پرداخت. عدم قاطعیت هور موجب پیروزی جانشین او در بدو دوره ریاست جمهوری شد. مجریان برنامه نیو دیل روزولت، تعطیلی بانکی را نقطه عطفی در دوران رکود اقتصادی تلقی می کردند. با بازگشایی بانک ها در شرایط سالم اقتصادی، اعتماد همگانی دوباره بازگشت.

انتقال قدرت میان هور و روزولت مسالمت آمیز صورت گرفت اما سازنده نبود. ناظران به هر دوی آن ها انتقاد دارند: به هور، برای این که از روزولت درخواست کاری بیشتر از آن چه که باید را کرده بود؛ و به روزولت، برای این که جایی برای همکاری نگذاشته بود. درس هایی که از این تجربه آموخته شد، به نوعی در انتقال قدرت رؤسای جمهوری بعدی، و حتا تا زمان جورج دبلیو بوش و اوپاما، مؤثر واقع شد. اکنون، رؤسای جمهوری که در آستانه انتقال قدرت هستند تلاش می کنند با ارائه کمک و توصیه، البته بدون اعمال نفوذ در روند آتی کارها، تسهیلاتی در این مرحله از کار ایجاد کنند.

*آراء بیان شده در این مقاله ضرورتاً منعکس کننده دیدگاه ها یا سیاست های دولت آمریکا نیست.*

## آیا می دانستید؟

بیش از ۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰ نفر از شبکه اجتماعی اورکات استفاده می کنند. برزیل و هند به ترتیب نخستین و دومین کشور، دارای بالاترین شمار استفاده کنندگان از اورکات هستند. نلسون ماندلا در ۴۴ سالگی در زندان حبس، و در ۷۱ سالگی آزاد گشت. نلسون ماندلا در ۷۵ سالگی به سمت ریاست جمهوری آفریقای جنوبی دست یافت. جان آدامز (۱۸۰۰) نخستین رئیس جمهوری ایالات متحده بود که در انتخابات برای دستیابی به این سمت در دوره دوم با شکست روبرو شد. طرفداران آدامز، توماس جفرسون، رقیب او در انتخابات ریاست جمهوری را با تیبوریوس، نیرو، و کالیگولا، امپراتورهای ستمگر روم باستان مقایسه کردند. رئیس جمهوری جدید ایالات متحده باید تقریباً ۷,۰۰۰ جایگاه شغلی را پر کند. ویسنتون چرچیل یک روز پس از شکست در انتخابات، اقامتگاه نخست وزیری را تخلیه کرد. هربرت هور، ۱۱۶ روز پس از شکست در انتخابات ریاست جمهوری و ادای سوگند فرانکلین دی روزولت کاخ سفید را تخلیه کرد.

# چگونه انتخاباتی نیمه آزاد لهستان را دگرگون ساخت

انا هوسارسکا

تصویر معروف گاری کوپر، ستاره هالیوود در فیلم وسترن سال ۱۹۵۲ "ظهر، که علامت "همبستگی" را روی برگردان یقه خود داشت، در طول انتخابات ژوئن سال ۱۹۸۹ لهستان مورد استفاده قرار گرفت. اما قهرمان واقعی این انتخابات که رژیم کمونیست لهستان را سرنگون کرد، کلانتر شهر نبود که اشرار را می کشت، بلکه تشکل های جامعه مدنی بودند که فعالیت صبورانه آن ها بعد از گذشت بیش از ده سال به ثمر رسید. این فعالیت ها در سال ۱۹۷۵ آغاز شد، یعنی زمانی که روشنفکران به دفاع از کارگرانی برخاستند که به اتهام اعتصاب، زندانی شده بودند و موجب تشکیل کمیته دفاع از کارگران (KOR) گردید.

KOR به کارگران لهستانی آموزش می داد و آن ها را با حقوق خود آشنا می ساخت؛ هنگام آغاز اعتصاب سال ۱۹۸۰ کارگاه کشتی سازی گدانسک، آن ها خواستار تشکیل جنبش همبستگی شدند، یعنی اولین سندیکای مستقل کارگری در بلوک اتحاد شوروی. از آن جا که رژیم کمونیستی همواره تشکل های جامعه مدنی لهستان را سرکوب کرده بود، همبستگی مانند چتری عمل می کرد که بسیاری از جریانات جامعه مدنی به دور آن گردآمده بود. رژیم لازم دید که در میز گردی با جنبش همبستگی به بحث بنشیند. قرار بر این شد تا انتخابات نیمه آزاد برگزار شود و رژیم، ۶۵ درصد از کرسی های مجلس نمایندگان را در اختیار خود بگیرد.

جنبش همبستگی با ۱۰ میلیون عضو – که تقریباً یک سوم کل جمعیت لهستان را تشکیل می داد – یکی از محبوب ترین جنبش ها در تاریخ جهان بوده است، و با این حال، مشکل می شد نتایج انتخابات را پیش بینی کرد، زیرا نظرسنجی قابل اطمینانی وجود نداشت. من در روزنامه همبستگی که به اپوزیسیون تعلق داشت کار می کردم که به درستی هم *Gazeta Wyborcza* یا روزنامه رسمی انتخابات نامیده می شد. در روز انتخابات، یعنی ۴ ژوئن ۱۹۸۹، جنبش همبستگی امیدی به پیروزی نداشت. اما ما برای مبارزه پای صندوق های رأی آمادگی کامل داشتیم.

کمونیست ها ده ها سال بود که مردمشان را فریب می دادند و به همین جهت انتظار می رفت در این انتخابات هم این گونه عمل کنند. ده ها سال بود که گروه های جامعه مدنی مانند گروه غیررسمی "دانشگاه پرنده"، مؤسسه های نشر زیرزمینی، گروه های تئاتر که آثار خود را در کلیساها اجرا می کردند، و گروه های خود جوش متشکل از جامعه شناسان یا اقتصاددانان، با سیاست های رژیم مخالفت می کردند. این گروه ها از طریق تحصیلات زیرزمینی، انتشارات، رویدادهای فرهنگی مطالعات جامعه شناختی، و پیشنهادهایی برای بهبود وضعیت اقتصادی، به شکل گیری یک جامعه موازی با جامعه



Courtesy University of Maryland

پوستری رأی دهندگان را به حمایت از همبستگی در نخستین انتخابات نسبتاً آزاد لهستان کمونیستی تشویق می کند. این پوستر گاری کوپر، ستاره فیلم وسترن "ماجراجوی نیمروز" را به تصویر می کشد. در شرح این عکس به زبان لهستانی نوشته شده است: "نیمروز: ۴ ژوئن ۱۹۸۹".

هوسارسکا مترجم، خبرنگار، و مددکار اجتماعی است. او عضو هیئت تحریریه نشریه نیویورکر بود، و به عنوان گزارشگر چندین نشریه و روزنامه برجسته از جمله واشنگتن پست، نیوزویک، و اینترنشنال هرالڈ تریبیون، وال استریٹ جورنال، گاردین (بریتانیا)، و اسلیت، از مناطق جنگی عمده در سراسر جهان گزارش تهیه کرده است.

این گزارشی مستقیم از چگونگی چرخش انتخابات سال ۱۹۸۹ لهستان به سوی ایجاد دولتی دموکرات است، و به توصیف تأثیر گسترده یک جامعه مدنی با اراده می پردازد، حتی در انتخاباتی که طبق توافق، نیمه آزاد و نیمه عادلانه بوده است.



رسمی کمک می کردند. به این ترتیب، جامعه مدنی برای چالش های این انتخابات نیمه آزاد آمادگی کامل داشت. هر چند سازمان های غیر دولتی به خودی خود وجود نداشتند، اما لطیفه ای با این مضمون گفته می شد که "تنها نهادهای غیر دولتی در لهستان، همان حاکمان کمونیست هستند."

شعارهای انتخاباتی کاملاً مثبت بودند، زیرا جامعه مدنی باید اصالت خود را نشان می داد، و هم این که انزجار از کمونیست ها نیاز به هیچ گونه تحریکی نداشت. معروف ترین آن ها شعار به یادماندنی بود "که لهستان همان لهستان باشد" (یعنی نه یکی از اقمار اتحاد شوروی)، و البته حروف تاپی که کلمه "همبستگی" با آن نوشته شده بود هم مانند جمعیت انبوهی بود که همراه یک پرچم راه پیمایی می کردند.

دسترسی جامعه مدنی به تلویزیون محدود بود و دولت، تبلیغات اندک همبستگی را با نقطه هایی که برای گمراه کردن رأی دهندگان طراحی شده بود، می پوشاند، و به این ترتیب قصد داشتند مردم را در هنگام نوشتن برگه های رأی به اشتباه بیندازند. ما این را می دانستیم و به همین خاطر هم یادداشت هایی پخش می کردیم: "اگر با همبستگی هستید، روی نام همه خط بکشید به غیر از این ها" – و نام نامزد هایمان را پایین صفحه نوشته بودیم. زیاد متعجب نشدیم که رژیم افرادی را یافته بود که هم اسم نامزد های ما بودند و آن ها را به عنوان نامزد های کمونیست، بر کرسی های مجلس می نشاند.

ما انتظار داشتیم که کمونیست ها دست به تقلب بزنند، به همین خاطر از ناظران همبستگی خواسته بودیم چراغ قوه همراه داشته باشند تا اگر کمونیست ها برق را قطع کردند و خواستند صندوق ها را با برگه های خود پر کنند، از آن ها ممانعت به عمل بیاید – و همین طور قلم اضافه، که آن ها نگویند نداریم و مردم از رأی دادن محروم شوند.

من نقش کوچک اما مؤثری داشتم: در "گروه بازدید نوبتی دستشویی ها" ها بودم. ما از حوزه های رأی گیری یک منطقه

بازدید می کردیم و ناظران همبستگی هنگام بازدید ما می توانستند به دستشویی ها بروند. و به این ترتیب مطمئن می شدیم که در طول غیبت کوتاه ناظر، عوامل رژیم، صندوق ها را با آرای خودشان پر نکنند. این سهم بسیار کوچکی در جلوگیری از تقلب مجدد کمونیست ها بود، اما به آن افتخار می کنم.

بعد از پیروزی همبستگی، نوبت به فروپاشی حزب کمونیست رسید، و اصلاحات دموکراتیک به سرعت در پی آن آمد.

دوایر سرکوبگر وزارت کشور – "مبارزه با روشنفکران"، "مبارزه با کلیسا"، "مبارزه با اتحادیه های کارگری" و "مبارزه با دهقانان نافرمان" – برچیده شد و انتخابات محلی در بهار سال ۱۹۹۰، به طور آزاد و عادلانه برگزار گردید. در پایان سال، لخ و السا، رهبر جنبش همبستگی، مردی که با روشنفکران همکاری می کرد، مورد حمایت کلیسا قرار داشت، و رییس اتحادیه کارگری بود و با دهقانان نافرمان هم همکاری داشت، از سوی مردم لهستان به ریاست جمهوری برگزیده شد. اما برای من، انتخابات ژوئن سال ۱۹۸۹ نقطه عطفی است. وقتی اعلام شد که همبستگی همه کرسی ها را کسب کرده به جز یکی که می توانست برای به دست آوردنش رقابت کند، می دانستم چرا: تمام جامعه تبدیل به جامعه مدنی شده بود.

---

*آراء بیان شده در این مقاله ضرورتاً منعکس کننده دیدگاه ها یا سیاست های دولت آمریکا نیست.*

# حکومت استبدادی در اتحادیه اروپا: رومانی و مولداوی گرگور پاپ – الجز



© AP Images

در دسامبر ۲۰۰۶، زنی در یک کارگاه تولید پرچم در بخارست، رومانی، در آستانه پیوستن رومانی به اتحادیه اروپا در اول ژانویه ۲۰۰۷، پرچم های اتحادیه اروپا و رومانی را می دوزد.

پس از فروپاشی کمونیسم در اتحاد شوروی و کشورهای اقمار آن در اروپای شرقی، آن کشورها با ضرب آهنگ های متفاوت و درجات مختلفی، موفق به برقراری دموکراسی شده اند. معیار برای بررسی دلایل این اختلاف و آگاهی بیشتر درباره شرایطی که در آن دموکراسی رشد می کند، مطالعه چگونگی پشت سر گذاشتن آزمونی دشوار در دموکراسی حقیقی در کشورهای قابل قیاس است: انتقال صلح آمیز قدرت بین رهبران و احزاب سیاسی مخالف. مقایسه ای که میان دو کشور سابقا کمونیست صورت گرفته نشان می دهد که اصلاحات داخلی، ناشی از تمایل به درآمیختن بیشتر با دیگر ملل دموکراتیک و تحت نظر جامعه مدنی فعال، توانایی کشور را برای انتقال صلح آمیز قدرت و حفظ حکومت دموکراتیک افزایش می دهد.

گرگور پاپ – الجز استادیار علوم سیاسی و امور اجتماعی و بین الملل دانشگاه پرینستون، پویایی داخلی و بین المللی اصلاحات سیاسی و اقتصادی را در اروپای شرقی و آمریکای لاتین مورد بررسی و پژوهش قرار داده است. این موضوعات، محور مطالب کتاب او با عنوان، از بحران اقتصادی تا اصلاحات: برنامه های صندوق بین المللی پول در آمریکای لاتین و اروپای شرقی (انتشارات دانشگاه پرینستون، ۲۰۰۹) را تشکیل می دهند.

دو کشور از بلوک سابق کمونیسم، خط سیرهای مختلفی را دنبال کرده اند. رومانی حکومت دموکراتیک را با موفقیت تداوم بخشید و اکنون عضوی از اتحادیه اروپا است. اما روند دموکراتیک در مولداوی دشوارتر بوده است. مطالعه ای که در مورد این دو کشور صورت گرفته حاکی از نقش جامعه مدنی و نهادهای دموکراتیک در تداوم گذار به دولت های منتخب جدید است.

## پویایی انتخاباتی

نمونه ای از چنین مقایسه ای میان انتخابات پویای مولداوی و رومانی از سال ۱۹۸۹ تا انتخابات صورت گرفته اخیر است. این مقایسه، تاریخ و فرهنگ مشترک آنان و نیز میزان قابل مقایسه توسعه اجتماعی - اقتصادی در آغاز گذار پس از کمونیسم را توجیه می کند. به علاوه، هر دو کشور (حداقل در ظاهر) خط سیرهای قابل قیاسی داشته اند به طوری که در اوایل دهه ۱۹۹۰ تحت حاکمیت کمونیست های اصلاح شده درآمدند که در نهایت، ابتدا در رومانی (۱۹۹۶) و سپس در مولداوی (۱۹۹۸) از ائتلاف های گسترده راست میانه شکست خوردند. در حالی که این شکست ها نقاط عطف مهمی در توسعه دموکراتیک هر کشوری محسوب می شوند، اما عمر این شادی کوتاه بود زیرا ائتلاف های راست میانه بر اثر بروز بحران های شدید اقتصادی و درگیری سیاسی تضعیف شدند. در سال های ۲۰۰۰-۲۰۰۱ هر کدام متحمل شکستی سخت شدند. به هر حال، این جایی است که شباهت ها پایان می یابد. در رومانی، حزب سابقاً کمونیست اصلاح شده ای، اصلاحات سیاسی و اقتصادی را ادامه داد، پیشرفت قابل توجهی به سوی درآمیختن با اروپا حاصل کرد و به عضویت اتحادیه اروپا نائل شد. مولداوی به نخستین کشور اروپایی تبدیل شد که کمونیست های اصلاح نشده را از طریق انتخابات دموکراتیک به قدرت بازگرداند. در حالی که کمونیست های مولداوی حرف های همیشگی ضد امپریالیستی و ضد سرمایه داری اولیه شان را تعدیل کرده اند، هشت سال تصدی قدرت از سوی آنان حاکی از تضعیف مشهود آزادی های دموکراتیک بوده است. در مقابل، تأثیر توقعات بین المللی و مطالبات گروه های جامعه مدنی داخلی در پیشرفت سریع تر رومانی در گذار از انتخابات به سوی حکومت کارآمد پس از انتخابات، نقشی قابل ملاحظه داشته است.

## انتقال قدرت

درسال ۲۰۰۹ نتایج این اختلاف در چگونگی واکنش به رقابت پرشور و بسیار نزدیک انتخابات نمایان شد. در هر دو مورد - پس از انتخابات پارلمانی آوریل ۲۰۰۹ مولداوی و انتخابات ریاست جمهوری نوامبر/دسامبر ۲۰۰۹ رومانی - طرف بازنده ادعا کرد در انتخابات تقلب صورت گرفته، اما با نتایج بسیار متفاوت.

مولداوی، خبرهای شایع در مورد تقلب - که حداقل به طور نسبی از سوی ناظران خارجی به تأیید رسید - منجر به بروز اعتراضات گسترده سیاسی شد که در چیسینائو، پایتخت، به خشونت گرایید و منجر به تخریب ساختمان پارلمان و کاخ ریاست جمهوری شد. واکنش های احزاب سیاسی مهم مولداوی و رسانه های جمعی حاکی از شکاف عمیقی است که به عرصه سیاست و جامعه مولداوی راه می یافت. رئیس جمهور ولادیمیر ورونین و بخش اعظم رسانه های دولتی، احزاب مخالف و دولت رومانی را متهم به حمایت از "باند های تبهکاری" کردند که آنان را مسئول

این خشونت ها معرفی می کردند. اما حزب مخالف مولداوی، همسو با بخش اعظم جامعه مدنی و بخش هایی از رسانه های جمعی خصوصی، استدلال می کردند که این اعتراضات حاکی از ابراز خود جوش ناکامی از سوی جوانان ضد کمونیست و طرفدار غرب، به خصوص دانشجویان است. علاوه بر این، آنان تأکید داشتند که عاملان تحریک طرفدار رژیم، خشونت را آغاز کردند تا اعتراضات را نامشروع جلوه داده و برای بازگرداندن دیکتاتوری زمینه سازی کنند. به دنبال آن سرکوب ناشیانه از سوی دولت منجر به دستگیری صدها نفر و شایع شدن اخبار در مورد اعمال خشونت گسترده پلیس گردید. با وجود این که دولت سرانجام با برگزاری مجدد انتخابات موافقت کرد که منجر به کسب پیروزی ضعیف برای حزب مخالف شد، حزب کمونیست همچنان انقدر از حمایت برخوردار است که آزادی سیاسی و اقتصادی را که می تواند گذار صلح آمیز قدرت را در آینده تضمین کند، محدود سازد.

اما در رومانی، برعکس، پس از بازشماری نسبی آراء باطل شده، مناقشه انتخاباتی حل شد. میرکنا گئوآنا، نامزد بازنده، شکست را پذیرفت و به رقیب خود تبریک گفت، اما متعهد شد صحت رقابت انتخابات ریاست جمهوری را در مجلس دنبال کند. تمایل نخبگان سیاسی رومانی به مطالبه منافعش در چهارچوب نهادهای دموکراتیک (که قطعاً ناقص هستند) توضیح می دهد که چرا نتیجه انتخابات موجب بروز اعتراض های اندک و بدون خشونت شده است.

چندین عامل مرتبط به هم، توضیح می دهند که چرا امکان بالقوه برای بروز خشونت پس از انتخابات در مولداوی بیش از رومانی بود. نخست این که درخواست موفقیت آمیز رومانی برای عضویت در اتحادیه اروپا و عضویت متعاقب آن کشور، همه بازیگران اصلی عرصه سیاست را ترغیب به پذیرش معیارهای مشترک دموکراتیک نمود. در ۱۹۹۳، مجلس اروپا در کپنهاگ تصریح کرد که کشورهای نامزد عضویت در اتحادیه اروپا باید به "ثبات نهادهایی دست یافته باشند که دموکراسی، حاکمیت قانون، حقوق بشر و احترام به حقوق اقلیت ها و حمایت از آنان را تضمین می کنند". از آن جا که اکثریت قاطع مردم رومانی از عضویت این کشور حمایت می کردند، برخی اصلاحات قابل توجه روی داد. این اصلاحات قدرت کمونیست های سابق را برای تفسیر قوانین به نفع خود به طور قابل ملاحظه ای مهار کرد و همین اصلاحات تبیین می کند که چرا آنان پس از شکست انتخاباتی شان در ۱۹۹۶ با واگذاری صلح آمیز قدرت موافقت کردند.

با این که مولداوی از سال ۲۰۰۵ همکاری خود را با اتحادیه اروپا افزایش داده، تعهدات رسمی دولت آن کشور به انجام اصلاحات بنیادی، اقتصادی و سیاسی تاکنون هنوز نتایج ملموس و واقعی در برداشته است. در حالی که اصلاحات احتمالاً در دوران تصدی دولت جدید سرعت خواهد گرفت اما این کشور هنوز برای درآمیختن با غرب با مخالفت روسیه روبرو است. به علاوه، نهادهای جامعه مدنی آن براساس بیشتر معیارها، کمتر از رومانی ریشه دوانده اند که تا حدودی ناشی از آن است که مولداوی طی دهه گذشته از مهاجرت گسترده مردم کشور آسیب

دیده است.

دوم این که ترکیبی از فشارهای جامعه مدنی و بین المللی موجب اصلاح تدریجی اما مشهود حزب سوسیال دمکرات سابقاً کمونیست رومانی شده است، در حالی که کمونیست های مولداوی هم از نظر الفاظی که به کار می برند و هم از لحاظ سیاسی وابستگی بیشتری به گذشته شوروی دارند. در نتیجه فقدان اصلاحات منجر به تعمیق اختلاف های تعصب آمیز میان کمونیست ها و مخالفان ضد کمونیست شد و فرصت اتحاد و مصالحه سیاسی محتمل را به میزانی بسیار کمتر از رومانی کاهش داده است.

و بالاخره، شکل گیری رسانه جمعی مستقل در رومانی به دلیل تنوع بیشتر منابع رسانه ای خصوصی و کنترل کمتر دولت بر رسانه های عمومی بسیار زودتر از مولداوی آغاز شد. در نتیجه، انتشار اطلاعات سیاسی در رومانی متعادل تر بود. این مسئله به نوبه خود امکان بالقوه دستکاری اطلاعات به عنوان وسیله ای برای تحریک درگیری را کاهش می دهد.

#### ابزارهای جدید

در آینده شاید، فن آوری های نوین ارتباطی، اساس تقویت جامعه مدنی در هر دو کشور باشد. توئیتر، فیس بوک و اس ام اس (سرویس پیام کوتاه) به معترضین مولداوی کمک کرد که طی انتخابات پارلمانی ۲۰۰۹ در زمانی بسیار کوتاه هماهنگ و بسیج شوند. حتی رسانه های غربی، وقایع مولداوی را " انقلاب توئیتر " لقب دادند. به همین ترتیب در رومانی به نظرمی رسد

رسانه های جمعی بر حضور رأی دهندگان سرگردان تأثیر نهاده اند که یک صدا از رئیس جمهور ترایان باسکو حمایت می کردند و تکلیف انتخابات را یکسره کردند.

در حالی که آینده این ابزارهای جدید در هاله ای از ابهام قرار دارد، اهمیت آنها برای گروه های جامعه مدنی احتمالاً افزایش خواهد یافت. نتایج انتخابات دمکراتیک و آزادی بیان که آنها خواستار آن هستند شاید

بخش مهمی از سرگذشت دموکراسی را در قرن بیست و یکم رقم بزند.

*آراء بیان شده در این مقاله ضرورتاً منعکس کننده دیدگاه ها یا سیاست های دولت آمریکا نیست.*



© AP Images/John McConico

"بدون تقلب": یک اعتراض کننده مولداوی در مقابل مقر کمیسیون انتخاباتی کیشیف، پیش از برگزاری انتخابات پارلمانی در ژوئیه ۲۰۰۹.

# تأخیر در "پاییز صرب": درسی برای بنیاد دموکراسی غیر مدنی زوران سیریاکوویچ



© AP Images/Darko Vojnovic

مارس ۲۰۰۱: پوسترها خواهان بازداشت اسلوبودان میلوسویچ، رئیس جمهوری سابق یوگوسلاویا، هستند. این پوسترها او را پشت میله های زندان نشان می دهند و این پرسش را مطرح می کنند: "چه زمان؟"

رنج های شخصی و سختی های اقتصادی، به دنبال تغییر هستند. در روزهای پایانی سپتامبر سال ۱۹۸۷، اسلوبودان میلوسویچ، مشاور خود، ایوان استامبولیچ را عزل نمود و مسیر تاریخ بالکان را تغییر داد. میلوسویچ نگران از سرخوردگی های پاییز و امیدهای بهار که در ده سال حکومت طولانی او شکل گرفت، معمولاً انتخابات را در فصل مرده زمستان برگزار می کرد، یعنی زمانی که هوای سرد ممکن بود مانع از ابراز خشونت گروه های مخالف گردد. او بالاخره در یکی از این انتخابات شکست خورد، اما نه به خاطر فعالیت های سازمان های غیر دولتی که بودجه خود را از غرب می گرفتند یا اقدامات اتحادیه های کارگری، که نقش حاشیه ای داشتند. در عوض، عاقبت مخنوم میلوسویچ از سوی ائتلاف سیاستمداران کارکشته و جنبش دانشجویان تعیین شد.

فراخوان میلوسویچ برای برگزاری انتخابات در ۲۴ سپتامبر

زوران سیریاکوویچ استاد خبرنگاری در دانشکده رسانه ها و علوم ارتباطات بلگراد، واقع در صربستان است. او در طی انتقال قدرت در یوگوسلاوی سابق و تبدیل آن به حکومت دموکراسی و پس از آن، برای نیوزویک و لس آنجلس تایمز گزارش تهیه می کرد و از آن زمان به انجام این کار مشغول است.

هر کشوری، واقعیت های سیاسی متفاوت و خاص خود را دارد. در این مورد، شاهد عینی "پاییز صرب" که موجب سقوط اسلوبودان میلوسویچ گردید، دست یافتن به دموکراسی را تنها به سازمان های غیر دولتی و سایر نهادهای جامعه مدنی منسوب نمی داند، بلکه آن را مدیون سیاست های خونسردانه محسوب می داند.

پاییز غالباً دوره پر مخاطره ای برای رهبران صرب است. صرب ها در رویارویی با زمستان سرد بالکان و سرخورده از



سال ۲۰۰۰، بسیار تعجب برانگیز بود - یعنی در پاییز، و نه در زمستان. نتیجه این انتخابات به نفع میلو سویچ نبود. میلو سویچ تلاش کرد در نتایج انتخابات دست ببرد و به همین منظور قصد داشت به جای اعلام ویسلاو کوستونیکا به عنوان رئیس جمهوری در دور اول، هیئت انتخابات صرب و دیوان عالی را مجبور به برگزاری دور دوم انتخابات کند. کوشش او در تغییر نتایج انتخابات منجر به یک رشته اعتراض های گسترده شد که در هر گوشه از کشور دیده می شد، حتا در جاهایی که تصور می شد از پایگاه خوبی برخوردار باشد. در اغلب شهرهای بزرگ، خیابان های اصلی مسدود شده بود، چندین روز زباله ها جمع آوری نشد و مخالفان هر روز راه پیمایی برگزار می کردند. نا آرامی ها غالب مناطق کشور را فلج کرده بود و اوج آن منجر شد به آن چه غالبا "سرنگونی ۵ اکتبر" یا به سادگی "انقلاب" خوانده می شود. از این رویدادها دو درس عبرت باید گرفت. یکی این که انتخابات، حتا زمانی که در فضای آزاد و منصفانه هم برگزار نشود، دوران خطرناکی برای دیکتاتور ها به حساب می آید. و دیگر این که، سازمان های جامعه مدنی همیشه بهترین کاتالیزور برای سرنگون کردن حکومت های خودکامه نیستند.

در عین حال، نقش آفرین اصلی در مجموعه غریب شخصیت ها و گروه هایی که از مدت ها پیش در آرزوی تغییر بودند، کوستونیکا بود، مردی که در انتخابات سپتامبر بر میلو سویچ پیروز شد. او که مانند میلو سویچ بسیار ملی گرا بود، به رأی دهندگان صرب که از میلو سویچ نفرت داشتند متوسل شد. کوستونیکا ارزش ها و اندیشه غرب را به کار نگرفته بود. دستگاه تبلیغاتی میلو سویچ توجه چندانی به کوستونیکای بی حال با صدای ملایم نکرده بود.

تلاش های دیرینه بیشتر متوجه زوران دیندیچ، مخالف سرسخت رژیم و رقیب کوستونیکا بود که به اکراه با او همراه شده بود. رسانه های تحت کنترل دولت چنان در تبلیغات ضد او موفق بودند که اقبالی برای پیروزی در انتخابات نداشت. دیندیچ نه سنگدل بود و نه غیرمسئول. او جسور بود و ماکیاولی مسلک، به شدت عمل گرا و همیشه آماده میان بر زدن و کنار آمدن. خصوصیتی که در آن فصل پاییز، آینده صربستان میان زمین و هوا معلق بود، ضروری به نظر می رسید.

اوپتور، جنبش دانشجویی خلق که تبدیل به حریف میلو سویچ گردید، در پیروزی انقلاب بسیار مؤثر واقع شد. جنبش اوپتور از توصیه های کلنل رابرت هلوی، بازنشسته ارتش آمریکا و بودجه ای که سازمان خیریه ملی دموکراسی واقع در واشنگتن در اختیار آن قرار داده بود، بهره می گرفت. اوپتور سازمانی غیر دولتی نبود، بلکه جنبش دانشجویی با رشد سریع و دارای رهبری غیرمتمرکز بود که آن را کارا تر از سازمان های غیر دولتی صرب با بودجه غربی می ساخت. اقدام معدنچیان زغال

سنگ لازارواک، شهر کوچکی در جنوب بلغراد هم اهمیتی مشابه داشت، آن ها بودجه ای در اختیار نداشتند و پیوستن آن ها به جنبش بسیار غیرمنتظره بود. تحرکات آن ها که زمانی سرسپرده رژیم بودند، یکی از اولین نشانه های شکست میلو سویچ در انتخابات دستکاری شده یا نشده، بود.

من متوجه شدم که در ۵ اکتبر، هنگامی که اعتراض کنندگان صبح زود در بلغراد اجتماع کرده بودند، کار میلو سویچ "به پایان" رسیده بود. شاهد پیوستن گروه هایی از طرفداران فوتبال به جمعیتی بودم که در میدان بزرگ مقابل پارلمان یوگسلاوی گردآمده بودند. میلو سویچ موفق شده بود که مدت ده سال انرژی و حرارت این "اوباش فوتبال پرست" را با زبردستی به واحدهای پارلمانی منتقل کند. و آن ها بالاخره علیه او قیام کرده بودند. پرشورترین طرفداران کسانی بودند که صف های پلیس را شکستند و اوضاع را طوری به هم ریختند که در خشونت های کوتاهی که رخ داد پارلمان و تلویزیون دولتی به آتش کشیده شد. این عاقبت غیر مدنی که حکومت غیرمدنی میلو سویچ گرفتار آن شد، شاهدهی بر شکست جامعه مدنی و کاستی ها در تلاش برای ایجاد دموکراسی از طریق کمک سازمان های غیر دولتی، حداقل در مورد صربستان است. بسیاری از شهروندان، به این سازمان هایی که حمایتشان از اصلاحات یا زیادی کم رنگ و یا غیر سازنده بود، مشکوک شدند. هم اکنون هم بسیاری از سازمان های غیردولتی صرب توسط مدیران واحدی اداره می شوند که بیشتر درگیر دستیابی به حمایت های مالی غربی هستند تا پرداختن به واقعیات سیاسی پیچیده در کشوری که پیشرفت و ترقی، به چانه زنی های ناخوشایند سیاسی وابسته است. ما بدون وجود سازش های "غیرمدنی" و پیمان های نامطبوع، احتمالا هنوز در انتظار "پاییز صرب" نشسته بودیم.

*آراء بیان شده در این مقاله ضرورتا منعکس کننده دیدگاه ها یا سیاست های دولت آمریکا نیست.*

## منابع دیگر

### کتاب‌ها، مقاله‌ها، تارنماها و فیلم‌ها با موضوع انتقال مسالمت آمیز قدرت

#### کتاب‌ها و مقاله‌ها

کوبا، لیث "مؤسسه‌ها تفاوت ایجاد می‌کنند." نشریه دموکراسی، شماره ۱۹، نوبت سوم (ژوئن ۲۰۰۸)، صفحه ۴۳ - ۳۷

کومار، مارتا جوینت و سولیوان، تری. جهان کاخ سفید: انتقال قدرت سیاسی، سازمان‌ها و عملیات اداری، کالج استیشن، تگزاس: مؤسسه انتشاراتی دانشگاه "ای" اند "ام"، ۲۰۰۳

لارسون، ادوارد جی. عاقبت باشکوه يك فاجعه: انتخابات پر آشوب سال ۱۸۰۰ میلادی، اولین مبارزه انتخاباتی ریاست جمهوری در آمریکا. نیویورک: سیمون و شوستر،

لینز، جوان جی. و استفان، آلفرد. مشکلات انتقال قدرت سیاسی و اتحاد در نظام‌های مردم سالار: اروپای جنوبی، آمریکای جنوبی و کشورهای اروپایی رها شده از کمونیس. بالتیمور، مریلند: مؤسسه انتشاراتی دانشگاه جانز هاپکینز، ۱۹۹۶

فیفر، جیمز پی. ریاست جمهوری استراتژیک: اداره مدبرانه امور کشور. لارنس، کانزاس: مؤسسه انتشاراتی دانشگاه کانزاس، ۱۹۹۶

سیریانی، کارمن. سرمایه‌گذاری در نظام مردم سالاری: دخیل کردن شهروندان در اداره امور کشور. واشنگتن دی. سی.: مؤسسه انتشاراتی بروکینز،

کنگره ایالات متحده، هیئت نظارت و اصلاح دولت. کمیته فرعی مدیریت دولت، سازمان و پشتیبانی. جابجایی قانون. آمادگی برای انتقال قدرت ریاست جمهوری: جلسه استماع کمیته فرعی مدیریت دولت، سازمان و پشتیبانی وابسته به کمیته نظارت و اصلاح دولت، جلسه صد و دهم کنگره، نشست دوم، ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۸، واشنگتن دی. سی.: دفتر چاپ و نشر دولتی ایالات متحده،

#### تارنماها

مؤسسه بروکینز: زمامداری

<http://www.brookings.edu/governance.aspx>

گزارش تفصیلی: روند انتقال قدرت به اوباما

[http://www.pbs.org/newshour/indepth\\_coverage/white\\_house/transition2008](http://www.pbs.org/newshour/indepth_coverage/white_house/transition2008)

انتقال قدرت ریاست جمهوری

<http://www.govexec.com/specialreports/transition.html>

بروک، جان پی. انتقال قدرت ریاست جمهوری: از سیاست تا عمل، بولدر، انتشارات لین رایبر، ۲۰۰۰

کمپل، کرت ام. انتقال قدرت مشکل آفرین: مشکلات سیاست خارجی در ابتدای به دست گرفتن ریاست جمهوری، واشنگتن دی. سی. مؤسسه انتشارات بروکینگز، ۲۰۰۸

کلینتون، دبلیو. دیوید و ننگ، دانیل جی. انتقال قدرت موفق به چه عواملی وابسته است؟ شارلوتسویل، ایالت ویرجینیا: مرکز روابط عمومی میلر، دانشگاه ویرجینیا، ۱۹۹۳

کرکوران، پال ای. "سخنرانی‌ها در مورد واگذاری مقام ریاست جمهوری: هنر ایراد نطق پذیرش شکست." نشریه ارتباطات سیاسی، شماره ۱۱، نوبت دوم (آوریل - ژوئن ۱۹۹۴): صفحه ۱۰۹ - ۱۳۱

گودوین، دوریس کرنز. "مردی که چیزی را که عاشقش بود از دست داد." مک کالز، شماره ۱۲۰، نوبت پنجم (فوریه ۱۹۹۳): صفحه ۱۰۲

هالچین، ال. الاین. انتقال قدرت ریاست جمهوری: مسائل مربوط به دولت‌های در حال خروج و تازه وارد. واشنگتن دی. سی.: واحد خدمات تحقیقاتی کنگره، ۲۰۰۸

<http://www.fas.org/sgp/crs/misc/RL34722.pdf>

هورویتز، پال. "جشن لحظه افتخار با تبعیت از قانون اساسی: سوگند و انتقال ریاست جمهوری." مجله بررسی قوانین، شماره ۱۰۳، نوبت دوم (۲۰۰۹): صفحه ۱۰۸۱ - ۱۰۶۷

<http://www.law.northwestern.edu/lawreview/colloquy/2008/47/LRColl2008n47Horwitz.pdf>

هانتینگتون، ساموئل پی. "چگونه کشورها مردم سالار می‌شوند؟" فصل‌نامه علوم سیاسی، شماره ۱۲۴، نوبت اول (بهار ۲۰۰۹): صفحه ۷۱ - ۳۱

جونز، چارلز او. آمادگی برای رئیس جمهور شدن: یادداشت‌های ریچارد ای. نوستاد. واشنگتن دی. سی.: مؤسسه انتشاراتی ای. ای. آی، ۲۰۰۰

انتقال قدرت: مبارزه انتخاباتی ریاست جمهوری سال ۲۰۰۸  
<http://www.gwu.edu/~action/2008/chrntran08.html>

---

وزارت امور خارجه ایالات متحده هیچگونه مسئولیتی را در قبال  
محتویات و موجودیت منابع فوق‌الذکر نمی‌پذیرد. تمامی پیوندهای  
اینترنتی فوق تا ژانویه سال ۲۰۱۰ میلادی فعال بوده‌اند.

